
فصل چهارم

موسیقی ایرانی





موسیقی ایرانی



هدف‌های رفتاری: پس از پایان این فصل از فراگیر انتظار می‌رود :

- ۱- موسیقی را تعریف کند.
- ۲- ماهیت موسیقی ایران را شرح دهد.
- ۳- تقسیم‌بندی تاریخ موسیقی ایران را ذکر کند.
- ۴- موسیقی پیش از اسلام را شرح دهد.
- ۵- تغییرات موسیقی پس از اسلام را شرح دهد.
- ۶- چگونگی و علت تبدیل موسیقی مقامی به نظام دستگاهی را شرح دهد.
- ۷- موسیقی دستگاهی و قطعات آن را شرح دهد.
- ۸- هفت دستگاه و پنج آواز موسیقی ایران را نام ببرد.
- ۹- انواع موسیقی در ایران امروز را بیان کند.
- ۱۰- تقسیم‌بندی کلی سازهای ایرانی را ذکر کند.
- ۱۱- انواع سازهای موسیقی ایران را بشناسد.
- ۱۲- موسیقی‌دانان برگزیده ایران را بشناسد.

موسیقی چیست؟

موسیقی هنری است که با استفاده از گزینش اصوات ویژه و ترکیب کردن آنها با یکدیگر با استفاده از اصول و قوانین خود، بیان مقصود می‌کند. به همان صورت که در شعر و ادبیات، واژه‌ها

نقش اصلی را دارند و در نقاشی، خطوط و رنگ و در معماری حجم، در موسیقی نیز اصوات هستند که نقش بیان کننده را عهده دار هستند. ابونصر فارابی در احصاء العلوم می نویسد: «موسیقی علم شناسایی الحان است، و شامل دو علم است: علم موسیقی عملی و علم موسیقی نظری».

امروز نیز موسیقی دو شاخه دارد، موسیقی نظری که اصول علمی و ریاضی موسیقی را شامل می شود و در حقیقت از شاخه های فیزیک صوت محسوب می شود. دیگر موسیقی عملی که فنی یا هنری به حساب می آید.

منابع تولید اصوات موسیقی، سازهای موسیقی و نیز حنجره انسانی است. در حنجره انسان صدای موسیقایی با کلام نیز توأم می شود.

هنر موسیقی برحسب شرایط فرهنگی زادگاه خود، انواع و اقسام بسیار دارد و هر قوم و ملتی، موسیقی ویژه خود را داراست. موسیقی در حقیقت بیان اندیشه در قالب اصوات است.

ماهیت موسیقی ایرانی

هنر موسیقی در مشرق زمین بیشتر ماهیتی آیینی داشته و برای دعا و نیایش و نزدیک شدن به خداوند به کار می رفته است. از این رو نه به معنای تفنن و تفریح که راه تأمل بوده و هست و این به جز از راه تزکیه نمی توانست به دست آید.

موسیقی ایران از دیر باز گونه ای تأمل، اندیشه و عشق بود. و کسی که بویی از امور معنوی نبرده و رمز و رازهای پنهان در ژرفای موسیقی ایران را نفهمیده باشد نمی تواند از سطوح ظاهری موسیقی ایران عبور کرده و به باطن آن برسد و در عالم موسیقی ایران «نامحرم» محسوب می شود.

«مدعی» خواست که آید به تماشاگاه راز دست غیب آمد و بر سینه «نامحرم» زد موسیقی ایرانی در نهایت کمال خود به وجهی از عرفان می رسد. در موسیقی مراسم «گاتاخوانی»^۱ زردشتیان و موسیقی مراسم خانقاه و سماع درویشان تا موسیقی تعزیه و لحن های متنوعی که در اذان و مناجات استفاده می شود مانند اذان مرحوم «مؤذن زاده اردبیلی» که با لحن و آهنگی خاص در گوشه روح الارواح آواز بیات ترک اثری جاودانه به جای گذاشت و نیز دعا و مناجات «محمد رضا شجریان» در مثنوی افشار و بخش عظیمی از موسیقی های نواحی ایران همه مثال هایی برای ارتباط مستقیم روح دینی در موسیقی های اصیل اقوام مختلف ایرانی است.

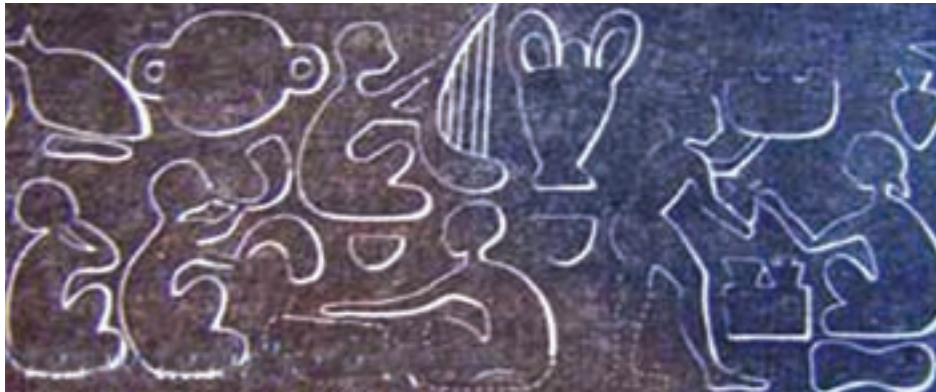
روند تاریخی موسیقی ایرانی

تاریخ موسیقی ایران را به طور کلی می توان به دو دوره قبل و بعد از اسلام تقسیم کرد. الف) موسیقی پیش از اسلام: این دوره خود به چند دوره تاریخی از قبیل ایلامی ها، مادها، پارس ها، پارت ها (اشکانیان) و ساسانیان قابل تقسیم است.

۱- دوره ایلامیان: این دوره که تا حدود سده هشتم قبل از میلاد را شامل می شود، وجود آثار بسیار همچون حجاری ها و مجسمه ها، دلالت بر رواج موسیقی در این دوره دارد. از جمله این اسناد

۱- گاتا از سروده های زردشت و بخش اصلی کتاب اوستاست

می‌توان از مهر چغامیش متعلق به ۳۵۰۰ ق.م نام برد که تصویر یک چنگ نواز، نوازندهٔ طبل، یک نوازندهٔ بوق یا سازی بادی و نیز یک خواننده در آن دیده می‌شود (تصویر ۱). بدیهی است که وجود این سازها دلالت بر شناخت این سازها دارد و همچنین نشان می‌دهد که نغمه و وزن وجود داشته است و اگر بپذیریم که چنین شناختی، آسان به دست نیامده است، باید این مطلب را نیز بپذیریم که پیشینه‌های کهن‌تر از ۳۵۰۰ ق.م در پس این آثار و این دوره نهفته است.



تصویر ۱- طرحی از مهر چغامیش - ۳۵۰۰ ق.م

۲- دورهٔ مادها: مادها مردانی آریایی‌نژاد بودند که در اواخر سده هشتم یا اوایل سده هفتم ق.م دولت خود را تأسیس کردند. آنچه از این دوره در دست است، به اندازه‌ای نیست که بتوان تاریخ موسیقی این روزگار را به خوبی نشان داد. اما از شواهد دیگر تا حدی می‌توان به آنچه در این دوره رواج داشته است، پی برد. یکی از مهم‌ترین وقایعی که تاریخ‌نگاران، با احتمال بسیار به این دوره مربوط می‌دانند، ظهور زردشت پیامبر است. و از آنجایی که مهم‌ترین دستورهای دینی زردشت «گات‌ها» است و تنها بخشی از اوستاست که باید به آواز خواند. از این‌رو بیانگر آن است که موسیقی از جایگاهی ویژه برخوردار بوده است. همچنین بعدها تفسیر و ترجمهٔ پهلوی اوستا را نیز با آهنگ و آواز خوش می‌خوانده‌اند. در روزگار ما نیز، همچنان اوستا را به گونه‌ای آهنگین و نیایش‌وار می‌خوانند و این سنت نزد مهاجران ایرانی مقیم هند و نیز زردشتیان مقیم ایران همچنان پابرجاست. بدین‌سان می‌توان دریافت که موسیقی مبتنی بر گات‌های زردشت، یا به تعبیر دیگر، موسیقی «گاتانی»، در دورهٔ مادها رواج داشته و تا به امروز به حیات خود ادامه داده است، و می‌توان گفت که سرچشمهٔ اصلی موسیقی ایران، موسیقی مذهبی و نیایشی بوده است.

۳- دورهٔ هخامنشیان: این دوره از ۵۵۰ تا ۳۳۰ ق.م را شامل می‌شود. در دوره هخامنشیان نیز موسیقی مذهبی مردم تداوم یافت. از سویی دیگر، موسیقی رزم و موسیقی بزم همچنان رواج داشته است. از آثار این دوره، می‌توان به گُرُنای فلزی و طویل اشاره کرد که اکنون در موزه تخت جمشید فارس نگهداری می‌شود.

۴- دورهٔ پارتیان یا اشکانیان: در این دوره موسیقی و شعر به هم نزدیک شده چنان که کسی نمی‌توانست بدون اینکه با موسیقی آشنا باشد و یا در نواختن یکی از سازها مهارت داشته باشد شاعر



تصویر ۲- زنان چنگ‌نواز - نقش برجسته دوره ساسانی

باشد. همچنین اسناد و آثار موجود، رواج موسیقی را در دوره اشکانیان تأیید می‌کند، یکی از آثار به دست آمده این دوره در حفاری‌های باستان‌شناسی، ساتگین یا جام فلزی است، این اثر ظاهراً به سده دوم میلادی تعلق دارد و در آن دو ساز «دونای» و «چنگ» دیده می‌شود.

۵- دوره ساسانیان: موسیقی در دوره ساسانیان به حد کمال و رشد خود رسید. بیشتر پژوهشگران تاریخ موسیقی ایران درباره موسیقی این دوره، تنها به ذکر موسیقی دربار ساسانی و از آن میان هم تنها به ذکر باربد و نکیسا بسنده کرده‌اند. البته این موضوع خود دارای اهمیت است، اما باید دانست که موسیقی پایتخت ساسانی، تنها موسیقی رایج این عهد نبوده و نمی‌توانسته باشد. زیرا وسعت و گستردگی سرزمین ایران، خود موجب آن بوده است که مردم دیگر مناطق، از موسیقی دیگری بهره‌مند بوده باشند. با این حال در زمان خسرو پرویز هریک از هنرمندان موسیقی در ساختن آهنگ و پیشرفت موسیقی ایران زمین نقش مهمی را انجام دادند. از جمله آنان باربد است که اختراع دستگاه‌های موسیقی ایرانی را به وی نسبت داده‌اند. (تصویر ۲، ۳، ۴).



تصویر ۴- زنان رامشگر - نقش برجسته دوره ساسانی



تصویر ۳- زنان در حال نواختن ساز - نقش برجسته دوره ساسانی

موسیقی پس از اسلام

پس از ظهور اسلام براساس اندیشه و تفکر نو تمام پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی دستخوش تغییر و تحول گردید. از این‌رو موسیقی هم که در اشکال متفاوتی وجود داشت دچار تغییر شد. آوازهای ملی، رجزخوانی و ... مورد تأیید قرار گرفت در صورتی که موسیقی بزمی، اشرافی مردود شناخته شد. سپس پیامد این اندیشه دینی نوین، هنر موسیقی در بخش علم ریاضی مورد بررسی و تحقیق قرار گرفت و بخش نظری و عملی آن گسترش یافت و سازها نیز تکامل یافتند. تألیف کتاب درباره موسیقی و ضبط قواعد علمی آن و جمع‌آوری آواها و طبقه‌بندی نغمه‌ها و شرح احوال نوازندگان و موسیقی‌دانان از اواسط قرن دوم هجری آغاز شد. این‌گونه کتاب‌ها را «الاغانی» یعنی نغمه‌ها می‌خواندند. ظاهراً نخستین کتاب با این عنوان به وسیله استادی ایرانی به نام یونس بن کربن شهریار (متوفی به سال ۱۳۵هـ)

به رشته تحریر درآمد. در اواسط قرن چهارم هجری علوم، آداب، تمدن و فرهنگ اسلامی به اوج کمال رسیده بود. و شعر و موسیقی و سایر هنرهای دیگر همگام با شوکت و شکوه اسلامی در پرتو مشارکت و معماری همه مسلمانان در بیشتر مناطق آسیا، آفریقا و اندلس (اسپانیا) رواج یافت. در این دوره با تأسیس مراکز علمی و آموزش پایه و اساس موسیقی علمی نیز گذاشته شد.

در این دوران موسیقی ایران به اطراف دنیای اسلام، سرزمین‌های عربی و بین‌النهرین (میان‌رودان) پراکنده شد و اساس بیشتر موسیقی‌های مشرق زمین به غیر از هندوستان شد. فواصل و گام‌های موسیقی ایران در تمام موسیقی‌های مشرق زمین شنیده می‌شد.

موسیقی ایران در قرن‌های چهارم تا هشتم هجری به اوج کمال علمی و عملی رسید و تأثیر این پیشرفت در آثار نگارگری نیز قابل مشاهده است (تصویر ۵ و ۶).

دانشمندانی بسیار کتاب‌های با ارزش در زمینه موسیقی نوشته‌اند که اکنون پایه علم نظری موسیقی ایران محسوب می‌شود. ابن سینا و فارابی از نخستین دانشمندانی بودند که در زمانی نزدیک به هزار سال قبل برای موسیقی، رساله‌ای علمی نوشتند. از کتاب‌های با ارزش می‌توان به «موسیقی کبیر» فارابی و کتاب «قابوس‌نامه» اشاره کرد که عنصرالمعالی کیکاووس بن وشمگیر بن زیاد نوشته و در آن بیشتر به مسائل اخلاقی نوازندگی و موسیقی پرداخته است. شاخه علمی و نظری موسیقی از اوایل دوره صفویه، ضعیف و کم کار شد و تا همین سال‌ها ادامه داشت. ولی شاخه اجرایی آن حفظ گردید. به خصوص اینکه در بناهایی مانند عالی‌قاپو برای ارائه موسیقی به نحوی خاص تنگ‌بری‌هایی زیبا صورت گرفت. در دوره صفویه تا قاجاریه نوازندگان بزرگی ظهور کردند که موسیقی ایران را زنده نگه داشتند (تصویر ۷).



تصویر ۵- نگارگری نوازندگان در حال نواختن



تصویر ۷- اتاق موسیقی با تنگ‌بری - کاخ عالی‌قاپو - اصفهان - دوره صفوی



تصویر ۶- مجلس بزم و موسیقی در نگارگری - پنج گنج خمسه نظامی

موسیقی مقامی (محلی) و موسیقی دستگاهی (ردیفی)

در طی قرن‌های مختلف موسیقی ایران دچار تغییرات زیادی شده، اما چهارچوب اصلی خود را حفظ کرده است و تنها تغییر عمده‌ای که در موسیقی به وجود آمد تغییر نظام دسته‌بندی آن از مقامی به دستگاهی بود. تاریخ دقیق این رویداد مهم به درستی روشن نیست.^۱ اما آنچه که در آن نمی‌توان تردید کرد، ارتباط عمیق موسیقی دستگاهی با موسیقی مقامی است و بر این اساس، شاید بتوان گفت که موسیقی دستگاهی تدوین جدیدی از موسیقی مقامی است و در این تدوین، همهٔ محورهای فرهنگی از قبیل صوت، فواصل، وزن، گردش نغمات و تزیین به خوبی محفوظ مانده‌اند.

موسیقی ایران از تعداد بسیاری مقام کوچک و بزرگ تشکیل شده است. حفظ و آموزش این مقام‌ها همیشه سینه به سینه و شفاهی از طریق تعلیم حضوری استاد به شاگرد بود و این به دلیل وجود ظرافت‌های موجود در آن است که تنها از این طریق حفظ می‌شد. در اواخر دوره زندیه و اوایل دوره قاجار دانشمندان موسیقی‌شناس که نامشان پوشیده مانده تصمیم گرفتند که این مقام‌ها را در نظام زنجیره‌های منطقی و منظمی قرار دهند تا حفظ و انتقال آنها برای نسل‌های بعد امکان داشته باشد. در این دوران موسیقی بنا به پرده‌های سازنده‌اش به تعدادی دستگاه و آواز تقسیم شد که هر دستگاه و آواز مربوط به آن دربردارندهٔ تعدادی گوشه است. گوشه‌ها جایگزین مقام‌های قبلی هستند. موسیقی دستگاهی به عنوان موسیقی رسمی مردم ایران در مراکز شهری اصفهان، اراک، شیراز، تهران و تبریز پذیرفته شد و موسیقی بومی مناطق مختلف ایران با همان سیستم مقامی حفظ شدند. و همین امر باعث به وجود آمدن مدارس مختلف موسیقی شد.

نخستین مدارس موسیقی به سبک اروپایی در زمان ناصرالدین شاه توسط مسیولومرفرانسوی بنیانگذاری شد و حدود پنجاه سال پس از او کلنل علینقی وزیر اولین مدرسه موسیقی سبک ایرانی را تأسیس کرد. این هنرستان تا دوره پهلوی به سبک اروپایی فعالیت داشت پس از آن به کوشش کلنل وزیری دوباره تدریس موسیقی ایرانی به شیوه دستگاهی در این هنرستان معمول شد و ادامه یافت تا اینکه در سال ۱۳۲۸ روح‌الله خالقی هنرستان موسیقی ملی را برای احیای موسیقی ایران پایه‌گذاری کرد.

موسیقی ردیف دستگاهی

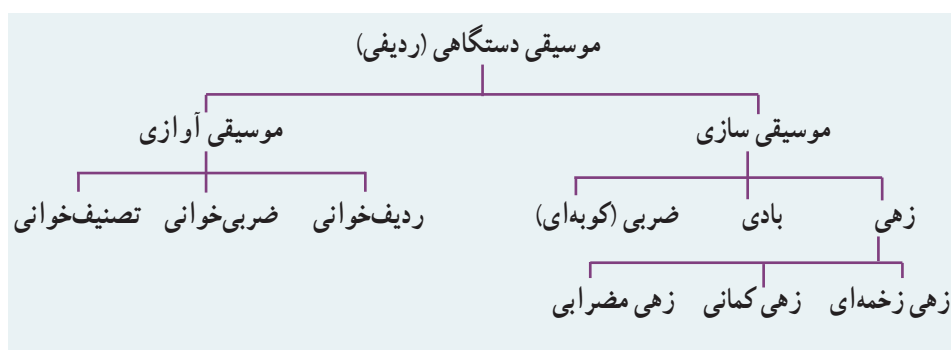
موسیقی ردیف دارای قطعات متعددی است که ترتیب و روند آنها در یک دستگاه یا آواز نقش ویژه‌ای ایفا می‌کند. این قطعات انواع متعددی را شامل هستند و به نام‌های پیش درآمد، درآمد، چهار مضراب، گوشه، ضربی، تصنیف و رنگ خوانده می‌شوند. در واقع در یک دستگاه یا آواز تعدادی گوشه با حالت‌های گوناگون با ترتیب و ربطی منطقی به دنبال یکدیگر واقع

۱- براساس باره‌ای پژوهش‌ها می‌توان این اتفاق را در فاصله قرن دوازدهم تا چهاردهم ه‍.ق دانست. یعنی تاریخ بحورالالحن

اثر فرصت شیرازی، نخستین کتابی که از موسیقی دستگاهی سخن به میان آورد.

می‌شوند و همین ترتیب و تسلسل گوشه‌هاست که مفهوم «ردیف» را در موسیقی سنتی ایران روشن می‌کند.

از سویی، موسیقی ردیف دستگاهی، مجموعه‌ای از آهنگ‌ها و نقش‌مایه‌های اصیل موسیقی ایرانی، از دوران کهن تا امروز است و آنچه در این راه ذوق و ابتکار را در آن نشان می‌دهد، اعجاز و اختصار در آوردن همین آهنگ‌هاست که به عنوان «گوشه» از آن نام برده می‌شود. البته گاهی برخی از گوشه‌ها نیز خود به تنهایی مجموعه کوچکی از این گنجینه عظیم موسیقی ایرانی هستند. هفت دستگاه مشهور موسیقی ایرانی عبارت‌اند از: دستگاه شور، سه‌گاه، چهارگاه، ماهور، همایون، راست پنجگاه و نوا. پنج آواز مشتق شده از دستگاه‌های فوق شامل: آواز ابوعطا، دشتی، افشاری، بیات‌زند (ترک) و بیات اصفهان است.



موسیقی آوازی

موسیقی آوازی به سه گروه تقسیم می‌شوند:

۱- ردیف خوانی: ردیف‌های آوازی ردیف‌هایی هستند که در آنها جمله‌بندی‌های شعری، حاکم است. مقصود از آواز این است که اشعار با صوت انسان خوانده شود یا جملات آن به تنهایی روی سازی نواخته گردد.

۲- ضربی خوانی: اجرای قطعات موزون با استفاده از اشعار شاعران در وزن‌های مختلف را ضربی نوازی و ضربی خوانی می‌گویند. اجرای درست ضربی‌ها به درک وزن، شناخت شعر، مهارت در اجرا و استعداد خلاق در بداهه‌سرایی بستگی دارد.

۳- تصنیف خوانی: قطعه‌های موزون و آهنگین است که همراه اشعار مناسب و با صدای خوانندگان اجرا می‌شود. تصنیف در تاریخ موسیقی ایران دارای سابقه‌ای بسیار قدیمی است و شکل معاصر آن از اواخر دوره قاجار به وجود آمد و تا سی سال قبل تکامل یافته است. در تصنیف از اشعار مناسبی استفاده می‌شود که از حیث ضرب و وزن یکسان و اشعار آن از حیث محتوا با حالت نغمه‌ها هماهنگ باشد.

انواع موسیقی در ایران امروز

در دوره معاصر موسیقی نیز مانند سایر شاخه‌های هنر، تحت تأثیر نیازهای جدید دچار تغییر و تحولاتی شد. انواع موسیقی در ایران امروز بدین ترتیب است:

۱- موسیقی ردیف دستگاهی:

(الف) با شیوه اجرای قدما (تکنوازی یا تکخوانی بر پایه بدیهه‌سرایی)

(ب) با شیوه‌های جدید اجرا (در چهارچوب ردیف یا خارج از ردیف)

۲- موسیقی‌های محلی و نواحی (مقامی)

(الف) با حفظ سازها و شیوه اجرای اصلی

(ب) با استفاده از سازهای دیگر و ترکیب با شیوه اجرای موسیقی شهری

(ج) موسیقی و رقص‌های محلی آیینی

۳- موسیقی‌های برنامه‌ای

(الف) موسیقی خانقاه (دراویش)

(ب) موسیقی زورخانه

(ج) موسیقی مذهبی و ذکر: روضه، نوحه، تعزیه، مولودی و چاووشی خوانی.

(د) موسیقی حماسی

(هـ) موسیقی نمایش و فیلم

(و) سرود

(ز) موسیقی جشن و مجالس

۴- موسیقی روز (پاپ)^۱

(الف) با استفاده از نغمه‌های ردیف و نغمات موسیقی قدیمی و مقامی

(ب) با استفاده از نغمه‌های ردیف و مقامی و موسیقی‌های اروپایی، ترکی، عربی و ... همراه با

سازهای ردیفی، مقامی، اروپایی و ...

۵- موسیقی‌های گروهی (ارکسترال)^۲

(الف) اجرا با گروه سازهای ردیفی (ستنی) و ملی

(ب) اجرا با گروه سازهای مقامی (محلی)

(ج) اجرا با گروه سازهای مختلط

(هـ) ارکستر جاز یا پاپ

شرح خصوصیات هر یک از موسیقی‌های یاد شده و اختلاف آنها با یکدیگر موضوع اصلی

موسیقی‌شناسی است. شناخت خصوصیات جامعه‌شناسی و تحولات تاریخ و درک هر کدام از این

انواع، نقش مؤثری دارد.

۱- لفظ POP در اصل از لغت Popular به معنای مردمی و گاه مردم‌پسند می‌آید.

۲- Orchestral

سازهای موسیقی ایران

سازها میراث دیگری از توانمندی استادان چیره‌دستی هستند که با تلاش خود در شکل‌گیری و تکامل انواع صداها، نغمه‌ها و ... همت گماشته‌اند و امروزه به عنوان هنری ماندگار برجای مانده است.

سازها یا آلات موسیقی به طور کلی به سه طبقه تقسیم می‌شود :

۱- سازهای زهی

۲- سازهای بادی

۳- سازهای ضربی

سازهای زهی: این سازها به سه نوع تقسیم می‌شوند :

الف) سازهای زهی - زخمه‌ای: در این نوع از ساز یک یا دو کاسه تشدید صوت به دسته‌بلندی وصل شده و سیم‌ها از ابتدا تا انتهای ساز کشیده شده، تولید انواع صداها با تغییر جای انگشتان نوازنده روی دسته‌ساز و با نواختن مضراب یا ناخن روی سیم‌های کشیده شده بر کاسه انجام می‌گیرد. مانند : تار، سه‌تار، دوتار، تنبور، ...

ب) سازهای زهی - کمانی: در این سازها استخراج صدا از طریق چوب باریک و بلندی که موهایی بر آن بسته و کشیده شده باشد با نام کمان یا آرشه تولید می‌شود. مانند : کمانچه و قیچک.

ج) سازهای زهی - مضرابی: سازهایی هستند که در آنها تولید نت‌ها با کم و زیاد کردن طول سیم‌ها به کمک انگشتان انجام نمی‌گیرد. بلکه برای هر نت سیم مخصوصی در نظر گرفته و طبق همان صدا کوک می‌شود. مانند : سنتور، چنگ و قانون.

سازهای بادی: سازهایی هستند که در آنها تولید صدا از طریق هوای جاری در لوله‌های صوتی انجام می‌پذیرد. مانند : انواع نی، سُرنّا، کُرنا، نَفیر، شیبور، دوزله، نی‌آنبان، بالابان، دونه.

سازهای کوبه‌ای یا ضربی: در این سازها نت تولید نمی‌شود، بلکه این سازها وظیفه حفظ وزن قطعات موسیقی را به عهده دارند. مانند : انواع دهل، طبل، تنبک، دایره، دف، سنج، نقاره (تصویر ۸ و ۹)

ساز های موسیقی ایرانی (دستگاهی)



ساز های زهی



ساز های بادی



ساز های ضربی

تصویر ۸ - معرفی ساز های سنتی ایرانی

ساز های موسیقی نواحی (مقامی)



قیچک



کمانچه



تنبور



دیوان



دوتار

ساز های زهی



سرنا



نی انبان



بالابان

ساز های بادی



دف



سنج



دهل



نقاره

ساز های ضربی



تصویر ۱۰ - آقا علی اکبرخان فراهانی



تصویر ۱۱ - نایب اسد الله



تصویر ۱۲ - درویش خان

موسیقی دانان برگزیده ایران

در این قسمت به معرفی چند تن از نامدارترین موسیقی دانان ایرانی در مکتب‌های مختلف و در حد آشنایی به عنوان میراث فرهنگی موسیقی ایران پرداخته می‌شود.

آقا علی اکبر فراهانی: آقا علی اکبرخان فراهانی (تصویر ۱۰)، بزرگ‌ترین و معروف‌ترین نوازنده تار و سه‌تار دوره قاجاریه و استاد تار بود. او با خانواده‌اش در زمان میرزاتقی خان امیرکبیر از فراهان اراک به تهران آمد. ردیف موسیقی امروز ایران روایت این استاد بزرگ است.

نایب اسدالله اصفهانی: نایب اسدالله (تصویر ۱۱)، استاد مسلم نی نوازی و پایه‌گذار مکتب ردیف نی نوازی اصفهان در نواختن این ساز بوده است. او به مهارت بسیار در نواختن و اخلاق نیکوی انسانی معروف بود.

درویش خان: درویش خان (تصویر ۱۲)، نوازنده بلند مرتبه تار و سه‌تار و بنیان‌گذار جریان آهنگ‌سازی در موسیقی ایران است. ابتکار فرم پیش در آمد، تلخیص ردیف قدما، ایجاد شیوه‌ای لطیف در تارنوازی و سه‌تارنوازی، ساختن آهنگ‌هایی در فرم‌های مختلف موسیقی ایرانی، تأسیس کلاس تعلیم موسیقی (و جداگانه برای خانم‌ها) و اضافه کردن سیم ششم را به تار، از درویش خان می‌دانند.

ابوالحسن صبا: ابوالحسن صبا (تصویر ۱۳)، برجسته‌ترین چهره موسیقی ایران در هفتاد سال گذشته و یکی از ستون‌های ثابت و استوار بنای موسیقی ایران شناخته می‌شود. وی در تمام رشته‌های موسیقی ایرانی و حتی سایر هنرها هم چون ساختن ساز، نقاشی، ادبیات و... مهارت داشت و دایرةالمعارفی جامع از علم و عمل موسیقی ایرانی بود.



تصویر ۱۳ - ابوالحسن صبا

حبیب سماعی: حبیب سماعی (تصویر ۱۴)، استاد و تکنواز سنتور در اوایل قرن حاضر و نگه‌دارنده حیات سنتور در موسیقی ایرانی بود. از زندگانی سماع حضور روایات مشهوری مبتنی بر خلوص ایمان و دائم‌الوضو بودن او - از خصوصیات نوازندگی او مهارت و خلاقیت فراوان در بداهه‌نوازی را ذکر می‌کنند. و او را بزرگ‌ترین سنتورنواز معاصر می‌شناسند.

علی اکبر شیدا: میرزا علی اکبر شیدا (تصویر ۱۵)، را باید پایه‌گذار اصلی تصنیف و ترانه به معنی و مفهوم امروزی بدانیم. به علت پیوستگی با حلقه درویشان لقب «مسرورعلی» را برای خود انتخاب کرد. وی در ترانه‌هایش بسیار به زبان مردمی نزدیک می‌شد و موسیقی را بیشتر از هر کس دیگر در دسترس مردم قرار داد.

عارف قزوینی: عارف قزوینی متولد قزوین بود و در سن شانزده سالگی به تهران آمد. او از شاگردان شیدا بود و در زمان مشروطیت با غزل‌های خود به موفقیت مشروطه کمک کرد. تصنیف‌های عارف به دلیل سادگی و نداشتن اوج به راحتی برای مردم قابل اجرا بود.



تصویر ۱۵ - علی اکبر شیدا



تصویر ۱۴ - حبیب سماعی

پرسش

- ۱- موسیقی را تعریف کنید.
- ۲- ماهیت موسیقی ایران را توضیح دهید.
- ۳- موسیقی پیش از اسلام در چه دوره‌ای قابل بررسی است؟
- ۴- در دوره مادها چه نوع موسیقی رواج داشته است؟ چرا؟
- ۵- موسیقی دانان معروف دوره ساسانی را نام برده و تأثیرشان را در موسیقی ایرانی بیان کنید.
- ۶- ظهور اسلام چه تأثیری در علم موسیقی گذاشت؟
- ۷- چند دانشمند ایرانی که در مورد موسیقی رسالاتی نوشته‌اند، را نام ببرید.
- ۸- نظام موسیقی دستگاهی در چه دوره‌ای پایه‌گذاری شد، در مورد آن توضیح دهید.
- ۹- قطعات موسیقی ردیف دستگاهی را نام ببرید.
- ۱۰- مفهوم ردیف در موسیقی ایران را توضیح دهید.
- ۱۱- هفت دستگاه و پنج آواز موسیقی ایران را نام ببرید.
- ۱۲- انواع موسیقی آوازی را توضیح دهید.
- ۱۳- چند تن از موسیقی‌دانان برگزیده ایران را نام ببرید.
- ۱۴- تقسیم‌بندی انواع ساز ایرانی را با ذکر مثال توضیح دهید.

گفت‌وگو کنید

- درباره موسیقی محلی شهر خودتان جستجو کنید و در مورد آن در کلاس گفتگو کنید.
- درباره ماهیت موسیقی ایران امروز در کلاس گفتگو کنید.

فصل پنجم

نمایش‌های آیینی و سنتی



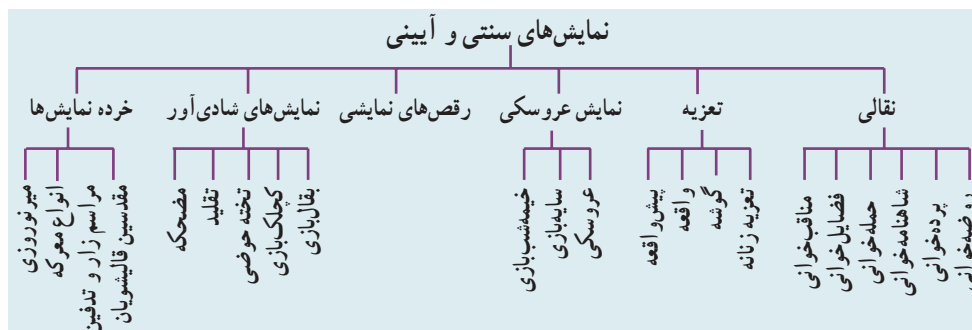


نمایش‌های آیینی و سنتی



هدف‌های رفتاری: پس از پایان این فصل از فراگیر انتظار می‌رود:

- ۱- نمایش را تعریف کند.
- ۲- آغاز نمایش در ایران را بیان کند.
- ۳- نحوه پیدایش نمایش را شرح دهد.
- ۴- انواع نمایش‌های قبل از اسلام را توضیح دهد.
- ۵- نمایش‌های پس از اسلام را نام ببرد.
- ۶- انواع نقالی را توضیح دهد.
- ۷- تعزیه و قراردادهای آن را توضیح دهد.
- ۸- علت توجه ایرانیان به تعزیه را شرح دهد.
- ۹- دوره اوج و رواج تعزیه را بیان کند.
- ۱۰- انواع تعزیه‌نامه‌ها را توضیح دهد.
- ۱۱- انواع نمایش‌های شادی‌آور را بیان کند.
- ۱۲- انواع نمایش عروسی را شرح دهد.



نمایش چیست؟

نمایش به معنی اعم انجام عملی از پیش معلوم شده، برای بیان مفهوم، بدون واسطه برای مخاطب است. به وجود آوردن گان نمایش در حقیقت تلاش کرده‌اند که بگویند تئاتر آینه زندگی است و می‌خواهند با به نمایش گذاشتن بدی‌ها و خوبی‌ها در تهذیب اخلاق جامعه نقش داشته باشند و جامعه را به سوی خیر و صلاح رهنمون سازند. با به نمایش گذاشتن ابعاد شخصیت و روابط درست و غلط، انسان‌ها را متوجه اعمال و رفتار خود سازند، از این‌رو برای رسیدن به این اهداف از امکانات وسیعی که در اختیار دارند از قبیل: ادبیات، موسیقی، هنرهای تجسمی و ... بهره می‌گیرند.

پیدایش نمایش

در مورد سرچشمه پیدایش نمایش نظریه‌های گوناگونی ارائه شده که مهم‌ترین آن، منشأ آیینی است. در آغاز انسان‌های اولیه دریافت صحیحی از عوامل طبیعی نداشتند، بلکه آنها را با نیروهای فوق طبیعی و جادویی مرتبط می‌دانستند و جهت جلب حمایت آن نیروها به جستجوی راه‌حلی پرداختند و شیوه‌هایی در این زمینه ابداع کردند. بیشتر این شیوه‌ها حرکات و رفتار نمایشی بود که کم‌کم به آیین و مراسم آیینی تبدیل شد. مراسم نمایش آیینی برزگری (کشاورزی) به هنگام مراحل مختلف کشت و برز همراه با موسیقی (نواختن ساز و خواندن آواز) در زمین‌های کشاورزی اجرا می‌شد تا آرزوها و نیازهای آنان را روایت کند. این مراسم امروزه نیز در برخی مناطق ایران از جمله شمال ایران، خراسان و سیستان و بلوچستان به دلیل کاربردی بودن آن همچنان رواج دارد.

با آنکه منشأ آیینی، امروزه پذیرفته‌ترین نظریه درباره خاستگاه نمایش است، اما هرگز تنها نظریه مورد قبول محسوب نمی‌شود. هستند محققانی که معتقدند سرچشمه نمایش امروزی داستان‌سرایی است، آنها اظهار می‌دارند که گوش کردن و رابطه برقرار کردن با قصه‌ها عمده‌ترین خصیصه انسان است. نظریه دیگر این است که انسان نمایش را با تقلید حرکات و صدای حیوانات آغاز کرده و به تدریج گسترش یافته است. در سده بیستم عده‌ای از روانشناسان اظهار کردند انسان دارای استعداد خیال‌پردازی است و از این طریق می‌کوشد واقعیت بیرونی را مناسب حال خود و نه چنان که در زندگی روزمره با آن برخورد می‌کند بازسازی کند. از این‌رو قصه به انسان امکان می‌دهد تا اضطراب‌ها و ترس‌های خود را عینیت بخشد تا بتواند با آنها برخورد کند، یا امیدها و رویاهایش تحقق یابند. در این صورت نمایش وسیله‌ای می‌شود که انسان توسط آن جهان خود را تعریف می‌کند، یا از طریق آن از واقعیت‌های تلخ می‌گریزد.

نمایش در ایران

تاریخ نمایش در ایران مانند دیگر هنرها به هزاران سال پیش می‌رسد. در ایران نیز ریشه نمایش را باید میان جشن‌ها، آیین‌ها، اساطیر و اشعار بررسی کرد.

شاید بتوان گفت نمایش، شکل تکامل یافته آیین و داستان‌سرایی است که از قالب مناسک بدوی و روایت‌های ساده درآمده و صورت جدی‌تر و هنری‌تری یافته است.

نمایش در طول دوران مختلف و هماهنگ با آن تغییر و تحولات زیادی پیدا کرد و این تغییرات بیشتر مربوط به طرز تفکر و نگرش حاکم بر هر دوره بوده است، به همین دلیل به طور کلی نمایش در ایران را می‌توان در دو دوره قبل و بعد از اسلام مورد بررسی قرار داد.

نمایش قبل از اسلام

با حضور اقوام بومی فلات ایران و ورود اقوام مهاجر هند و ایرانی در حدود هزاره دوم (ق.م) و در نتیجه ادغام این فرهنگ‌ها با یکدیگر، آیین‌هایی به وجود آمد که این آیین‌ها و مراسم پایه نمایش ایران شد، که در اینجا به تعدادی از آنها اشاره می‌شود.

۱- آیین‌های ستایش: خواندن سرودهای مذهبی، سرودهای اوستا و حرکات موزون از جمله آیین‌هایی بود که در جشن‌هایی مانند مهرگان، سده، نوروز و... وجود داشت. و در آن ستایش خداوند و شخصیت‌های اسطوره‌ای به همراه حرکات موزون انجام می‌شد.

۲- قوالی: در کنار حرکات موزون و سرودها، نقل داستانها رواج داشت. در اجتماع‌ها، اهالی می‌نشستند و به آنچه پهلوانی در شرح جنگ‌ها می‌گفت گوش می‌کردند. هر چند قوالی در واقع نقل داستان، به آواز و یا همراه موسیقی بود، اما همین قوالی منجر به قصه‌سرایی و بیان نمایشی یک داستان شد.

۳- سوگ سیاوش (سیاوشان): سیاوش پسر کیکاوس پادشاه ایران نمادی از پاکی و معصومیت در ایران است که با توطئه «گرسبوز» و به دست «گروی زره» کشته شد. با کشته شدن او هر ساله مراسمی که نوعی عزاداری بود برگزار می‌شد، که به عنوان مویه بر مرگ سیاوش و یا «سووشون» مشهور است. مردم مناطق مختلف ایران این آیین را برگزار می‌کردند. هنوز هم در جنوب ایران این آیین برپا می‌شود. این آیین پس از اسلام به شکل تعزیه دنبال شد.

۴- مغ‌کشی: این مراسم که در دوران هخامنشی پا گرفته است، با یاد قتل گئومات مغ^۱ غاصب که به جای بردیا^۲ بر تخت نشست برگزار می‌شد. مغ‌کشی نمایشی سیاسی و تبلیغاتی بود و رویداد تاریخی ویژه‌ای را می‌نمایانده است. در طی این مراسم به صورت نمایشی او را به قتل می‌رساندند. در این روز با وجود احترامی که برای مغ‌ها قایل بودند، آنها را به شدت مورد توهین و تمسخر قرار می‌دادند و به همین منظور هیچ مغی از خانه بیرون نمی‌آمد.

۵- نمایش میرنوروزی: این نمایش نمایانگر ستایش و سپاس از بهار بود که به مرور تبدیل به نمایش «نوروزی خوانی»^۳ شد. نوروزی خوان‌ها گروه کوچکی بازیگر طنز (شادی‌آور) بودند که

۱- پیشوای دین زرتشت

۲- بردیا فرزند کوروش و برادر کمبوجیه.

۳- نوروزی خوانی تا چند دهه پیش، آیینی متداول بوده است، که از معدود آیین‌های موسیقایی کهن ایرانی به‌شمار می‌رود و از نظر فرم و ساختار مبتنی بر بداهه‌خوانی و بداهه‌سرایی است. با آمدن اسلام با اعتقادات و باورهای مذهبی آمیخته شد و به این لحاظ بقا و تداوم یافت.

با لباس رنگین و آرایش عجیب از اواخر زمستان دوره می‌افتادند و به خواندن و حرکات موزون به پیشواز بهار می‌رفتند. در زمان ما مردی که چهره خود را به رنگ سیاه درمی‌آورد و لباس قرمز می‌پوشد و «حاجی فیروز» خوانده می‌شود، احتمالاً از گروه نوروزی خوان‌ها به یادگار مانده است.

۶- آتش افروزی: از جمله رسم‌های ایرانیان، افروختن آتش و پایکوبی در اطراف حلقه‌های آتش بود. آنچه از این رسم مانده تنها افروختن بوته‌هاست و دیگر بازی‌هایی که در شب چهارشنبه آخر سال برگزار می‌شود.

نمایش پس از اسلام

پس از پیدایش و گسترش اسلام بعضی از انواع نمایش دچار تغییر و تحول شدند. با توجه به آنچه گفته شد پیش از اسلام نوعی قصه‌سرایی همراه با نواختن یک ساز وجود داشت که به آن «قوالی» می‌گفتند. اما به دلیل محدود شدن موسیقی در دوره اسلام این نمایش همراهی ساز را از دست داد و از آن فقط نقل واقعه باقی ماند. به همین دلیل واقعه خوانان برای جبران این کمبود با تکیه بر بازیگری، شرح و بیان خود را تقویت کردند.

پس از اسلام به انواع بازیگری توجه خاصی شده است که به شرح زیر می‌آید:

۱- نقالی: از جمله نمایش‌های مستقلی که پس از اسلام شکل گسترده و نمایشی پیدا کرد «نقالی» بود. نقالی را وسیله ارتباط جمعی سنتی می‌دانند. موضوع داستان در نقالی قهرمانان اسطوره‌ای هستند به همین دلیل قصد واقع‌بینی صرف وجود ندارد و بیشتر تکیه بر احساسات تماشاگر دارد.

نقالی از نظر مضمون به دو گروه مذهبی و غیرمذهبی قابل تقسیم است. مضمون نقالی‌های غیرمذهبی منبع‌ها و مرجع‌هایی چون شاهنامه، اسکندرنامه، هزار و یکشب و سمک عیار بوده است. نقالی‌های مذهبی شامل مناقب خوانی، فضائل خوانی^۱، حمله خوانی، پرده خوانی و روضه خوانی بودند که هدف آنها شناساندن شخصیت‌های مذهبی و نقل داستان‌هایی از زندگی آنان، بر شمردن فضائل و تأکید بر حقانیت ایشان بود (تصویر ۱، ۲ و ۳).

از مناقب خوانی و فضائل خوانی چندان چیزی به جای نمانده است. مناقب خوانی در پدید آمدن سایر گونه‌های نقالی مؤثر بوده است. حمله خوانی براساس وقایع جنگ‌های حضرت محمد(ص) و حضرت علی(ع) از کتاب «حمله حیدری» بود. پرده خوانی یا شمایل خوانی نیز گونه‌ای از نقالی مذهبی است که در پیدایش شبیه خوانی یا نمایش تعزیه سهم بسزایی داشته است. روضه خوانی که به خواندن اشعار «روضه‌الشهدا» اثر «ملاحسین واعظ کاشفی» گفته می‌شود نیز نوعی نقالی می‌باشد.

نقال یکی از چهره‌های مهم و اصیل بازیگری در نمایش ایران است. برخی واقعه خوانان از چیره دست‌ترین بازیگران هستند و از نوعی روان‌شناسی مردم آگاهند و تسلط زیادی بر جمع دارند. آنها می‌دانند چگونه با تغییر در آهنگ کلام و ایجاد وقفه هیجان بیشتری برای تماشاگر ایجاد

۱- متعلق به اهل تسنن



تصویر ۱- تقاص گرفتن کیکاوس از سیاوش - رنگ روغن روی بوم - قولر آغاسی - ۱۳۱۱ شمسی - ابعاد ۱۷۷ در ۱۱۰ سانتی متر



تصویر ۲- رستم و سهراب - رنگ روغن روی بوم - قولر آغاسی - ۱۳۲۱ شمسی - ابعاد ۱۱۶ در ۱۸۵ سانتی متر

کنند. پیش از شروع نقل شاگرد نقال که آن را «بچه مرشد» می نامند، قطعه ای می خواند که به آن پیش خوانی می گویند. و از این طریق تماشاگران آماده شنیدن نقل می شوند. نقالی شامل قسمت هایی چون واقعه خوانی، مناجات، خطبه خوانی، حدیث خوانی، گریز زدن، و ... است. معمولاً نقالی در قهوه خانه ها و میادین روستاها انجام می شد (تصویر ۴).



تصویر ۳- مصیبت کربلا- رنگ روغن روی بوم - محمد مدبر - ابعاد ۲۵۱ در ۱۹۸ سانتی متر



تصویر ۴- نقال در حال پرده خوانی

۲- خرده نمایش‌ها: وجود برخی واژه‌های نمایشی در ایران نشان‌دهنده حضور برخی نمایش‌هاست. از جمله «تماشا» که به مجموعه نمایش‌هایی اطلاق می‌شد که در تجمع عصرانه مردم بازی می‌شد. این نمایش‌ها عبارت بود از انواع «مهرکه» بندبازی، چشم‌بندی، به رقص و تقلید در آوردن جانوران، (تصویر ۵) و مراسمی از قبیل «مراسم شستشو و تدفین مقدسین»، مراسم «قالی‌شوین» (تصویر ۶) که هنوز هم در نیمه مهرماه در مشهد اردهاال کاشان برپا می‌شود. از طرفی برخی از

نمایش‌های قبل از اسلام - مانند مراسم «میرنوروزی» - نیز در این دوره به شکل عمونوروز یا حاجی فیروز ادامه یافت.

۳- دسته‌های عزاداری: رسم دیگری نیز باعث ایجاد نمایش شد و آن هم به راه انداختن «دسته‌های عزاداری» بود. برپایی این دسته‌های سوگواری از زمان «سوگ سیاوش»^۱ و قبل از اسلام آغاز شده بود.

تعزیه

تعزیه با شبیه خوانی، مهم‌ترین نمایش پس از اسلام است که ریشه در آیین سوگ سیاوش دارد و در آن جنبه‌های اسطوره‌ای نیز به جنبه‌های تاریخی اضافه گردیده است.

پایه‌های نمایش «شبیه خوانی» در قرن چهارم و در زمان خاندان آل‌بویه گذاشته شد و در دوره صفویه به شکوفایی رسید، همچنین مراسم روضه‌خوانی و حمله خوانی نیز صورت می‌گرفت. در دوره قاجاریه و در زمان ناصرالدین شاه قاجار، تعزیه به اوج تکامل خود رسید و ساختن تکیه نیز رونق خاصی پیدا کرد که مهم‌ترین آن «تکیه دولت» در تهران بود (تصویر ۷).

شاید بتوان گفت یکی از دلایل قدرت یافتن تعزیه در این دوره ساخت تکیه‌ها و تماشاخانه‌های مذهبی بود. ناصرالدین شاه پس از بازگشت از سفر اروپا سعی داشت تا یک سالن تئاتر در ایران ایجاد کند. سرانجام به دستور او ساختمان «تکیه دولت» در سال ۱۲۹۰ هجری شمسی جنب کاخ گلستان در تهران ساخته شد. این مکان یک محوطه وسیع و ساختمانی عظیم چهار طبقه بود، که سرانجام به دلیل مخالفت‌هایی تبدیل به تکیه و تماشاخانه مذهبی شد.

ادبیات تعزیه

اشعار تعزیه عموماً به صورت «مثنوی» نوشته می‌شد و گاه دارای وزن نبود بیشتر عبارات محاوره‌ای بود و مرثیه سرایی پایه‌ای برای ادبیات تعزیه بود که می‌توان به شعرهای شاعرانی مانند: محتشم کاشانی و وصال شیرازی اشاره کرد.

ادبیات تعزیه از لحاظ موضوعی به چهار دسته تقسیم می‌شود: پیش واقعه، واقعه، گوشه، تعزیه زنانه.

پیش واقعه: تعزیه‌نامه‌هایی که از نظر داستانی مستقل نیست و باید با نمایش واقعه همراه شود.

واقعه: تعزیه‌نامه‌هایی که مصائب و شهادت افراد مذهبی، خصوصاً ماجرای کربلا و امام حسین (ع) را نشان می‌دهد.

گوشه: تعزیه‌نامه‌های فکاهی و تفننی که به عنوان موضوع فرعی مطرح می‌شود و در آن لعن و نفرین و تمسخر مخالفان اسلام وجود دارد. این نوع تعزیه معمولاً در جمعه‌ها و عیدهای مذهبی برای شاد کردن مردم اجرا می‌شد.



تصویر ۵- معرکه‌گیر در خیابان



تصویر ۶- قالی شویی در مشهد اردهال کاشان



تصویر ۷- تکیه دولت - اثر کمال الملک

۱- سیاوش در ایران باستان یک شخصیت مذهبی و بی‌گناه به شمار می‌رفته و جنبه روحانی و معنوی داشته است. با مرگ سیاوش اسطوره شهادت در ایران شکل می‌گیرد.



تصویر ۸- لباس تعزیه



تصویر ۹- تعزیه - استفاده از نماد در نمایش تعزیه

تعزیه زنانه: این نمایش روزگاری به وسیله زنان برای تماشاگران زن معمولاً در دنباله مجالس روضه خوانی اجرا می‌شد. این تعزیه‌ها در فضای باز حیاط‌ها و یا تالارهای بزرگ خانه اجرا می‌شد. تعزیه زنانه عمومیت و توسعه‌ای نیافت و رفته‌رفته تا اواخر دوره قاجار از میان رفت.

قراردادهای تعزیه

تعزیه نمایشی سمبلیک یا نمادگرا و طراحی صحنه آن خلاصه و نمادین است و شامل: علم، کتل، پرچم، شاخه‌ای نخل و تشت آب می‌باشد. این نمادگرایی در رنگ لباس شخصیت‌های تعزیه که دو دسته: شخصیت‌های نیک (مظلومان) و شخصیت‌های بد (اشقی‌ها) هستند نیز دیده می‌شود. رنگ لباس مظلومان، سبز، سفید و یا مشکی (برای زنان) و رنگ لباس اشقی‌ها سرخ است (تصویر ۸ و ۹). در تعزیه محدودیتی از جهت زمان و مکان وجود ندارد. بازیگر با چرخیدن به دور صحنه یا میدانی، نشان می‌دهد که زمان و مکان عوض شده است. تعزیه موسیقی خاص خود را دارد و با نواختن شیپور، طبل، قره‌نی، سنج، دهل و حتی با صدای سوگوارانی که بر سینه خود می‌کوفتند و شیون تماشاگران پدید می‌آید. موافق خوان‌ها (اولیا) معمولاً به زبان شعری می‌خوانند که به آن تحریر کردن می‌گویند. مخالف خوان‌ها (اشقی‌ها) به زبان نثر و با صدای بلند می‌خوانند که به آن اُشتلم خوانی می‌گویند. از این طریق تماشاگر بیشتر تحت تأثیر اولیا قرار می‌گیرد. ممکن است قبل از شروع تعزیه نوحه‌ها و روضه‌هایی با موضوع کربلا اجرا شود که به آن چاووشی می‌گویند.

نمایش‌های شادی آور (تقلید)

نمایش‌های شادی آور اصطلاحی کلی است که به گونه‌هایی از نمایش‌های پرجنب‌وجوش، مردم‌پسند و هیجان‌انگیز گفته می‌شود. نمایش‌های شادی آور از معرکه‌ها و کارهای بازیگران منفرد موسوم به دلچک، نوروزی خوان‌ها (مثل حاجی فیروز و آتش افروز)، دسته‌های تمسخر میرنوروزی و بازیگران دوره گرد شکل گرفت. در اواخر دوره صفویه و بعدها در دوره زندیه این دسته‌ها در بعضی قهوه‌خانه‌ها پاتوقی داشتند و برای گرم کردن مجالس شادی، به خانه‌های مردم دعوت می‌شدند. در این مجالس تقلیدی به نام «حسن کچل» وجود داشت که قصه جوانی فقیر است که مرتباً به خواستگاری دختری یک حاجی بازاری می‌رود.

نوع دیگری از نمایش‌های شادی آور «بقال بازی» بود که در آن وضع و حال بقالی ثروتمند ولی خسیس و نوکر گیج و حواس‌پرت او به اسم نوروز به نمایش درمی‌آمد. بیشتر نمایش‌های شادی آور، نمایش‌های فی البداهه یعنی بر پایه بیان و آفرینش در همان لحظه و حضوری می‌باشند. یعنی معمولاً این نمایش‌ها متن نوشته شده از قبل ندارند.

یکی از شخصیت‌های مهم و مورد بحث در نمایش‌های ایرانی، شخصیت «سیاه» است که صورت خود را به کمک دوده سیاه می‌کرد. به این دلیل که با فریب، در اجتماع، به طبقه او خیانت شده بود (تصویر ۱۰).

از نمایش‌های مهم شادی‌آور، نمایش‌های «تخت حوضی» یا «روحوضی» است. این نمایش‌ها را به این جهت تخت حوضی می‌نامند که، تخت‌های چوبی روی حوض‌های بزرگ وسط حیاط می‌گذاشتند و آن را مفروش کرده و روی آن بازی می‌کردند. در این نمایش‌ها هجو و ریشخند به آداب و ظاهر سازی‌های افراد طماع وجود داشت (تصویر ۱۱).

نمایش عروسکی

نمایش عروسکی نه فقط در ایران بلکه در بسیاری از حوزه‌های جغرافیایی - فرهنگی جهان پدید آمده و دارای پیشینه کهن می‌باشد. رواج نمایش‌های عروسکی شاید از این جهت است که این بازی‌ها دارای وسایل و ابزار سبک و قابل حمل می‌باشد و نمایش‌دهنده می‌تواند هم‌پای ایل یا روستائیان تغییر مکان دهد. به همین دلیل بر وسعت قصه‌های عروسکی و قهرمانان عامیانه‌اش افزوده شد. از نمونه‌های این نمایش را می‌توان نمایش تکم منطقه آذربایجان نام برد. تکم بزی چوبی و متحرک است که با پارچه روی آن را می‌پوشانند و با سکه یا زنگوله آن را تزیین می‌کنند و مظهر فرارسیدن سال نو، شادی و خوشی است. تکم‌چی، عروسک‌گردان است و اشعار نویدبخش بهار را می‌خواند.



تصویر ۱۰- نمایش سیاه‌بازی



تصویر ۱۱- نمایش روحوضی در حیاط خانه

نمایش عروسکی سایه

در این نمایش عروسک‌ها را از تکه‌ای چرم می‌بریدند و در مقابل منبع نور قرار می‌دادند، که سایه آن بر دیوار نقش می‌بست. این نمایش که چادر خیال نام گرفت، در ایران چندان مورد توجه قرار نگرفت.

نمایش عروسکی نخ

در این شیوه عروسک‌هایی که نهایتاً ۳۰ سانتی متر ارتفاع دارند و مفصل‌های حرکتی آنها به نخ وصل است، توسط یک عروسک‌گردان از بالا به حرکت در می‌آیند.

مهم‌ترین نمایش عروسکی نخ ایران «خیمه‌شب بازی» است. خیمه‌شب بازی یا شب‌بازی نمایشی است که شب‌ها و در خیمه‌ای که در دو طرفش دو چراغ روشن بود، نمایش داده می‌شد. صحنه صندوقی بود که یک طرفش رو به تماشاگران باز است و عروسک‌گردان پشت صندوق مخفی شده و عروسک را با نخ تکان می‌دهد. عروسک‌گردان «استاد» نامیده می‌شود و از سوتی به نام صفیر استفاده می‌کرد تا صداها زیر و نازک شود. شخصیت اصلی و معروف این نمایش «مبارک» (تصویر ۱۲) است که همان خصوصیات و بذله‌گویی سیاه را دارد. موسیقی‌های اصلی این نمایش کمانچه و ضرب است. عروسک‌گردان به همراه مرشد گفتگو می‌کرد و داستان را پیش می‌برد.

نمایش عروسکی دستکشی

در این نمایش سر عروسک ساخته می‌شود و در لیفه‌ای قرار می‌گیرد. دست عروسک‌گردان در لیفه یا دستکش قرار می‌گیرد و عروسک را حرکت می‌دهد. ویژگی این نوع عروسک در سریع و فرز بودن و امکانات ساده حرکتی آن است. از نمونه‌های این نوع نمایش عروسکی در ایران نمایش عروسکی «پهلوان کچل» متعلق به استان فارس است.



تصویر ۱۲- عروسک مبارک از نمایش خیمه‌شب‌بازی

نمایش نوین

نمایش به شیوه امروزی از زمانی آغاز شد که اولین بنای تئاتری به همت مزین الدوله نقاش‌باشی برای سی صد تن تماشاگر دارالفنون بنا نهاده شد و نخستین نمایش‌هایی که به تقلید آثار اروپاییان نوشته شد، آثار آخوندزاده و ملک‌خان ناظم‌الدوله بود. نمایش به صورت امروزی، اولین بار از طریق ترجمه و مخصوصاً اجرای آثار «مولیر» در ایران مطرح شد و نویسندگان ایرانی در این زمینه آثاری به وجود آوردند مانند میرزا آقا تبریزی که نمایش‌نامه «طریقه حکومت زمان خان» را نوشت. در اواخر دوران قاجار گروهی از جوانان، اولین شرکت نمایشی به نام «فرهنگ» را تأسیس کردند که به وسیله آن نمایش‌های سیاسی و اقتصادی را به معرض نمایش گذاشتند. بعد از آن شرکتی به نام «تئاتر ملی» و سپس «شرکت کمدی ایران» ایجاد شد. این سیر تحول تا به امروز هم چنان ادامه داشته است. امروزه شیوه‌های تلفیقی و نوآورانه‌ای در رابطه با حفظ ارزش‌های فرهنگی و هنری به ظهور رسیده است. با این مختصر در مورد نمایش در ایران می‌توان دریافت که هر نمایش بازتاب شیوه نگرشی خاص به زندگی است و هر هنرمندی با استفاده از تجربه و زندگی آدمی به هنر خود شکل می‌بخشد و در این مسیر براساس نوع مخاطب و شرایط موجود در زمان از شیوه‌های مختلف کمک می‌گیرد، تا بتواند بهترین بیان هنری را داشته باشد.

پرسش

- ۱- مفهوم نمایش را بیان کنید.
- ۲- نظریه‌های مختلف در مورد سرچشمه پیدایش نمایش را توضیح دهید.
- ۳- انواع نمایش‌های قبل از اسلام را نام ببرید و به اختصار توضیح دهید.
- ۴- نقالی از نظر موضوعی چند نوع است؟ توضیح دهید.
- ۵- انواع خرده نمایش‌ها را نام ببرید.
- ۶- تاریخچه پیدایش تعزیه را به اختصار توضیح دهید.
- ۷- ویژگی ادبیات تعزیه را بیان کنید.
- ۸- انواع تعزیه از نظر موضوعی را ذکر کنید.
- ۹- نمادگرایی در تعزیه را توضیح دهید.
- ۱۰- به چه نمایش‌هایی «نمایش‌های شادی‌آور» گفته می‌شود؟
- ۱۱- خیمه‌شب‌بازی مربوط به کدام نوع از نمایش‌های ایران است؟ توضیح دهید.
- ۱۲- نمایش به شیوه امروزی از چه زمانی در ایران آغاز شد؟ توضیح دهید.

جستجو کنید

- درباره نقالی مطالعه کنید و در کلاس قطعه کوتاهی از آن را اجرا نمایید.
- درباره یکی از انواع نمایش‌ها در کلاس گفتگو کنید.

فصل ششم

صنایع دستی





صنایع دستی



هدف‌های رفتاری: پس از پایان این فصل از فراگیر انتظار می‌رود:

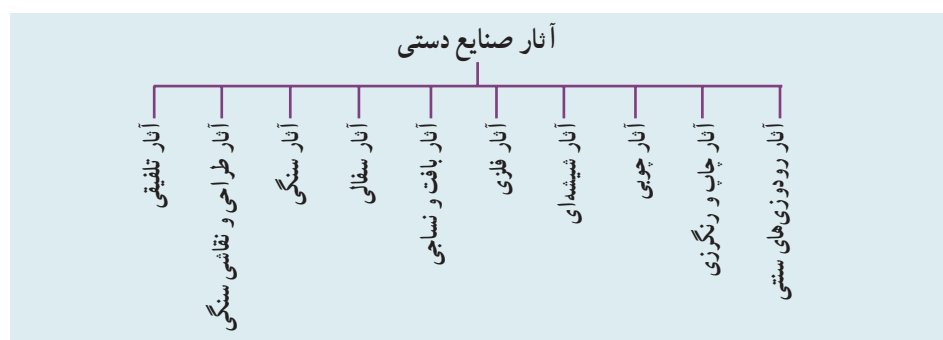
- ۱- طبقه‌بندی صنایع دستی را نام ببرد.
- ۲- چگونگی پیدایش هریک از انواع صنایع دستی را توضیح دهد.
- ۳- ویژگی‌های انواع صنایع دستی را بداند.
- ۴- نمونه‌هایی از انواع صنایع دستی را ذکر کند.

«صنایع دستی» جایگاه ویژه‌ای در میراث فرهنگی هرملتی دارد. تنوع آثار صنایع دستی، گذشته از آنکه ذوق، تفکر و خلاقیت یک ملت را نشان می‌دهد، نسبت به موقعیت جغرافیایی هر منطقه نیز متفاوت است. در کشور پهناور ایران به دلیل تنوع آب و هوایی و ویژگی‌های جغرافیایی گوناگون صنایع دستی در شکل‌ها و رنگ‌های زیبا و چشم‌نواز با کاربردهای متفاوت به‌وجود آمده است. گرچه در ابتدا صنایع دستی برای برطرف کردن نیازهای اولیه انسان پدید آمد اما به مرور ذهن خلاق مردمان، باورها، اعتقادات و آداب و رسوم خود دستمایه‌ای برای بالا بردن کیفیت و هدف آنها شد. همین باعث شد که آموزه‌های گویباری از این هنر تراوش کند. هنرمند هنرهای سنتی از ابتدا به کمک ادب و اخلاق جوانمردی و پاک شدن از هرگونه ناپاکی، خودسازی می‌کرد. هدف از هنر را نزدیک شدن به خدا (قرب الی‌الله) می‌دانست. او هنر را امانتی الهی می‌داند و خود را نه به عنوان خالق اثر بلکه به عنوان واسطه‌ای که بتواند زیبایی‌های الهی را انتقال دهد،^۱ می‌شناسد. به همین دلیل در طول تاریخ هنرمندان هنرهای سنتی کمتر نام خود را در زیر آثارشان نوشته‌اند. اگر رقمی^۲ از ایشان دیده می‌شود

۱- آیه ۱۷ سوره انفال

۲- رقم: امضای کسی در پای اثر اوست.

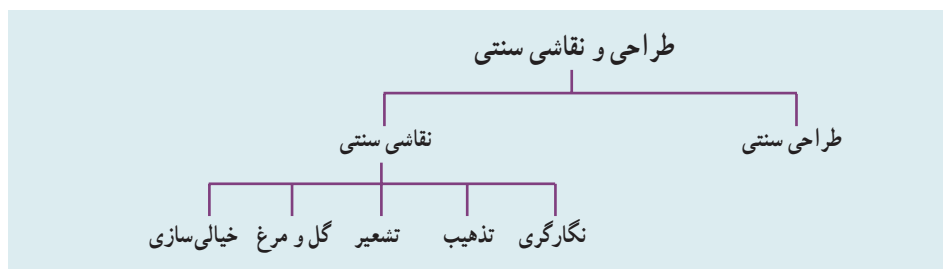
به گونه‌ای اشاره به جایگاه بندهٔ کمترین بارگاه الهی و یا توسل جستن به ائمهٔ اطهار (ع)، دارد. برای مثال «آقا نجف اصفهانی» هنرمند دورهٔ قاجار که «یا شاه نجف» رقم کرده است و یا «محمدزمان»^۱ که در زیر آثارش «یا صاحب الزمان» می‌نوشته است. همچنین ساخت انواع آب خوری‌های سفالین، سنگی و فلزی در مساجد و یا سقاخانه‌ها که علاوه بر نیت خالص هنرمند، نوع هدف و کاربرد آن نیز آمیخته با آموزه‌های دینی است تا هر رهگذر تشنه علاوه بر سیراب شدن نامی از امام و سرور شهیدان امام حسین (ع) نیز بر لب ببرد. بنابراین صنایع دستی از سه رویکرد شکل ظاهری، هدف و کاربرد و روش تولید، مواد اولیه و ابزار تشکیل شده است به دلیل تنوع فراوان این هنر، طبقه‌بندی‌های مختلفی برای آن به وجود آمده است که در اینجا به‌طور کلی با توجه به نوع مواد اولیهٔ آنها این دسته‌بندی ارائه می‌شود (تصویر ۱).



تصویر ۱- انواع آثار صنایع دستی

آثار طراحی و نقاشی سنتی

آثار به‌دست آمده از طرح‌ها و نقش‌های خیالی و طبیعی زمینه‌ساز طراحی سنتی، نگارگری، تذهیب، تشعیر، گل و مرغ و خیالی سازی (نقاشی قهوه‌خانه‌ای) می‌باشد. این آثار با سابقه طولانی در تاریخ و تمدن ایران به حدود ده هزار سال پیش در غارها و صخره‌نگاری‌های لرستان، دیوارنگاری‌ها و نقش‌پردازی بر سفالینه‌ها و آثار مختلف تا به امروز باز می‌گردد که خود دارای طرح، رنگ و نقش خاص خود هستند و به روش‌های متفاوت اجرا شده‌اند. آنچه امروزه شکل کلی و نهایی خود را به‌دست آورده، می‌توان به گونه‌های متفاوت مشاهده کرد (تصویر ۲).



تصویر ۲- هنرهای زیرمجموعه طراحی و نقاشی سنتی

۱- محمد زمان دوم، نقاش آثار لاک‌پایه ماشه بوده است.

طراحی سنتی: طراحی انواع نقش و نگارهای خیالی به صورت خطی برای به کارگیری در انواع صنایع دستی که از تنوع بسیار بالایی برخوردار است را طراحی سنتی می‌گویند. استادان و هنرمندان زبردست سنتی برای نقش‌اندازی بر روی دست‌ساخته‌های خود ابتدا طرح‌های زیبایی به تناسب موضوع و نوع کار، طراحی می‌کردند. سپس آنها را بر روی کار خویش منتقل کرده و در نهایت رنگ‌آمیزی می‌کردند (تصویر ۳).



تصویر ۳- نمونه‌هایی از طراحی هنرمندان سنتی قدیمی

تذهیب: تذهیب به معنی زRANDOD کردن و طلاکاری است که با نقوش منظم هندسی و گردان همراه با خطوط نازک مشکی و آب طلا تزئین شده و رنگهای متنوع دیگر نیز در آن به کار می‌رود. این رنگ‌ها معمولاً از سنگ‌گرف، لاجورد، سفید آب، زنگار، زعفران و ... می‌باشد (تصویر ۴). کاربرد هنر تذهیب به دوران قبل از اسلام برمی‌گردد و «زرنگاری» در کتاب‌های مانویان انجام می‌شده است.



تصویر ۴- تذهیب، سرلوح، معاصر

پس از ظهور اسلام ایرانیان در تزیین و آراستن کتاب‌های قرآن کوشیدند. در قرون اولیه اسلامی سنت مانویان را ادامه دادند ولی به تدریج آن را به مراحل کمال رساندند. در ابتدا تذهیب به منظور تعیین سر سوره‌ها و تفکیک آیات و جزءها به کار گرفته شد و غالباً در صفحات آغازین و پایانی کتاب مورد استفاده قرار می‌گرفت. سپس در دوره سلجوقی سرلوح، سرسوره‌ها و حاشیه‌ها هم تذهیب شد. پس از اسلام آوردن حکام مغول، خوشنویسی و تذهیب دوباره جان گرفت و شامل آرایش میان سطرها و طلاندازی شد. در عصر تیموری رشد قابل توجهی کرد (تصویر ۵).



تصویر ۵- دیوان حافظ - خط نستعلیق با طلاندازی میان سطرها - حاشیه مُذهَّب مرصع در دو صفحه قرینه - موزه هنرهای تزیینی ایران

تشعیر: در این هنر نقوش گیاهی و تصاویری از جانوران و نقش‌های انسانی در حاشیه نسخ خطی یا مرقعات با تک‌رنگ قلم‌گیری می‌شود که بیشتر با طلا یا رنگ سفید بر روی زمینهٔ نخودی و یا تیره مانند مشکی و لاجوردی مشاهده می‌شود (تصویر ۶). رنگ‌های محدود به وسیله حرکات قلم‌مو از خصوصیات بارز تشعیر و تفاوت آن با تذهیب است.

تشعیر در عصر تیموری و صفوی به اوج خود رسید. بسیاری از نسخه‌های خطی دوره صفویه دارای حاشیه بزرگی است که مناظر طبیعی و اشکال انسانی و حیوانی بر آن نقش شده است، رنگ طلایی و در بعضی موارد رنگ نقره‌ای بر آن حاکم است (تصویر ۵).



تصویر ۶- تشعیر با آب طلا بر زمینه لاجوردی طرح گل، پرنده، چهره‌های حیوانات و موجودات خیالی

نگارگری: این هنر شامل طراحی، رنگ آمیزی، پرداز و قلم گیری انواع طرح ها و نقوش سنتی با موضوعات مختلف است که برای ایجاد نگاره های مستقل و یا کاربرد در کتاب آرای و دیوارنگاری استفاده می شود (تصویر ۷).



تصویر ۷- نگارگری، بخشی از دیوارنگارگری چهلستون - اصفهان، دوره صفوی



تصویر ۸- نگارگری یک برگه از دیوان حافظ، همراه با تذهیب - موزه رضا عباسی

هنر نگارگری ایرانی، جهان اسرارآمیزی دارد که با نقاشی های واقع گرای غربی بسیار متفاوت است. هیچ گاه هنرمند به تقلید از طبیعت نپرداخته و حقیقت را بدون سایه روشن، حجم پردازی، عمق نمایی و شخصیت پردازی کشف کرده و ارائه نموده است.

این نگاره ها و نقاشی ها جزئیات خارق العاده ای را به نمایش می گذارد که آدمی را به تحسین وامی دارد. با قلم گیری و رنگ های تخت و درخشان، وفاداری به دو بعد، پرده از حقیقت پنهان برمی دارد و در پس ظاهر تابناک خود، جاودانه بودن را خلق می کند؛ زیرا نور را مطلق می بیند. در این جهان رمزآلود، آسمان طلایی، گل و شکوفه، درختان پر از پرندگان، بناهای رنگارنگ، اشیای مجلل، چشم اندازهای خیال انگیز، تخته سنگ های مرجانی، آدم های کوچک با لباس های پر نقش و نگار با دقتی خارق العاده بر سطحی کوچک ظاهر می شوند. نگارگر جهان عارفانه خود را می آفریند. فضایی که پیوند آن با عالم ملکوت بیش از توجه به حواس ظاهری اهمیت دارد. نگارگری ایرانی در نقش تصویرسازی و اعتباربخشی به متن از اوایل کتابت با آن همراه بوده است و در نخستین نگاه می توان بازتاب ادبیات فارسی را در آن مشاهده کرد. البته متون علمی و تاریخی بسیاری نیز نگارگری شده اند، ولی آنچه بیشتر قابل توجه نگارگران بوده، متون شعری است و از میان آنها شاهنامه فردوسی بیشتر از همه مورد توجه و هنرنمایی هنرمندان نگارگر و صفحه آرا بوده است (تصویر ۸).

گل و مرغ: آنچه به عنوان گل و مرغ شهرت یافته طراحی، رنگ آمیزی، ساخت و ساز انواع طرح ها، نقوش گیاهی و پرندگان در حالت های مختلف است که برای ایجاد نگاره های مستقل یا کاربرد در جلد ها و قلمدان ها به کار می رود (تصویر ۹).



تصویر ۹- گل و مرغ نگاره مستقل، معاصر

خیالی سازی (نقاشی قهوه‌خانه‌ای): این هنر به صورت نقاشی‌های روی پرده‌های بزرگ یا دیوارنگاری با مضامین مذهبی یا حماسی انجام می‌پذیرد که با بهره‌گیری از داستان‌های عامه‌پسند و قومی از جمله حماسه‌ها، افسانه‌ها، وقایع و روایت‌های مذهبی ساخته و پرداخته شده است. در این هنر گاهی وقایع مختلف در زمان‌های متفاوت در کنار یکدیگر تصویر می‌شوند که از آن جمله می‌توان به واقعه کربلا، هفت خوان رستم و ... اشاره کرد و گاهی یک داستان حماسی یا افسانه‌ای، خیالی سازی می‌شود که بیشتر در مکان‌های عمومی از جمله تکایا، قهوه‌خانه‌ها و غیره به کار برده می‌شود (تصویر ۱۰).



تصویر ۱۰ - کشته شدن دیو سپید به دست رستم - قولر آغاسی - ۱۳۲۴

در کنار این هنر، شغل پرده‌خوانی رواج یافت که در آن پرده‌خوان وقایع نقاشی شده را به زبان شعر و لحنی زیبا و جذاب برای کسانی که در آن مکان (تکیه، قهوه‌خانه، روستا و ...) گردهم آمده بودند، بازگو می‌کرد. آیین جوانمردی رشادت‌ها و از خودگذشتگی برای دین و دیگر ویژگی‌های پسندیده به وسیله آنها بین مردم رواج می‌یافت و سینه به سینه نقل می‌شد. هم‌اکنون نیز در برخی از قهوه‌خانه‌ها و تکایای شهرهای گوناگون این کار ادامه دارد. همچنین در روستاها پرده‌خوانان سیار با پرده‌های نقاشی شده متحرک به مناسبت‌های مختلف در حال حکایت و نقلی هستند.

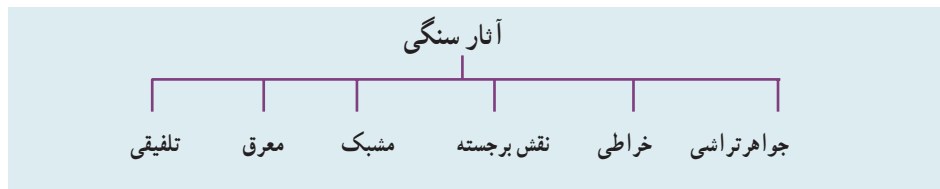
آثار سنگی

پیشینه آثار سنگی به ظهور سکونتگاه‌ها و مراکز اجتماعی اولیه در دوران عصر سنگ باز می‌گردد و شامل شکل دادن و نقش‌پردازی سنگ به روش‌های برش، تراش، خراش و شیوه‌های تلفیقی به منظور ساخت و تزئین اشیاء با ابزارهای مختلف می‌شود. این هنر در طول دوران تکاملی خود

در ادوار تاریخی با انواع روش‌های رایج شکل گرفته که امروزه نیز کاربرد دارند. جواهرتراشی، خراطی، نقش برجسته به روش تراش سنگ، معرق و مشبک به روش برش، حکاکی روی سنگ به روش خراش و دیگر آثار مانند مجسمه‌های سنگی به روش‌های تلفیقی ساخته می‌شوند (تصویر ۱۱ و ۱۲).



تصویر ۱۲- نقش برجسته، تخت جمشید



تصویر ۱۱- رایج‌ترین هنرهای سنگی

آثار هنری سنگی کاربردهای فراوانی دارد. برخی از این آثار در زیورآلات، برخی در تزیین بناهای مذهبی، تاریخی و مهم، تعدادی در ساخت ظروف سنگی و ... به کار می‌روند (تصویر ۱۳ و ۱۴).



تصویر ۱۴- مجسمه سنگی (شیر سنگی) ساخت، به روش تلفیقی



تصویر ۱۳- مشبک، نرده سنگی از جنس مرمر



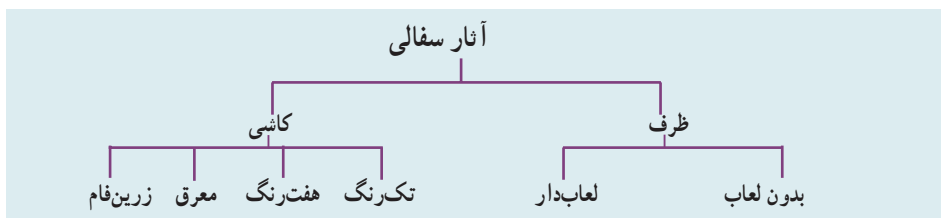
تصویر ۱۵- ظروف سنگی، ساخت به روش خراطی و تزیین به روش حکاکی روی سنگ

آثار سفالی

سفالگری را شاید بتوان یکی از قدیمی‌ترین روش‌هایی دانست که بشر توانسته به کمک آن نیازهای خود را تأمین سازد. براساس یافته‌های باستان‌شناسان به نظر می‌رسد زادگاه این هنر سرزمین ایران است و نمونه‌های اولیه بدست آمده متعلق به حدود ده هزار سال قبل است (تصویر ۱۶). به دنبال ساخت و تکمیل چرخ‌های سفالگری از حدود هزاره چهارم ق.م شاهد تحول دیگری در این حرفه و فن هستیم که در جهت تهیه لعاب و انواع تزئین ظروف نیز اقدامات جدی‌تری انجام پذیرفت (تصویر ۱۷).



تصویر ۱۶- ظرف سفالی بدون لعاب، به شکل پرندۀ



تصویر ۱۷- گونه‌ای از تقسیمات کلی آثار سفالی

به طور کلی در سفال از خاک رس با ترکیب‌های مختلف استفاده می‌شود. لعاب نیز که عامل اصلی بالا بردن مقاومت ظروف سفالین و زیباتر شدن آن است در انواع گوناگون شفاف، کدر و مات مورد استفاده قرار می‌گیرد. سفال در دوره پیش از اسلام همچنان روند تکاملی خود را به آهستگی طی کرد و در دوران اسلامی مورد توجه بیشتری (نسبت به فن فلزکاری) قرار گرفت و در مراکزی از جمله ری و نیشابور به تحولاتی شگرف دست یافت. در سده‌های پنجم و ششم هجری ظروف لعابی سفید رنگ، لعاب‌دار تک رنگ، ظروف با نقش قالبی، ظروف طلایی یا زرین فام و ظروف مینایی ساخته شد. در سده‌های هفتم و هشتم هجری ساخت نوعی کاشی به نام کاشی معرق آغاز و زینت بخش اماکن متبرکه شد (تصویر ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱).



تصویر ۱۸- ریتون (تکوک) سفال لعاب‌دار به شکل مرغابی



تصویر ۲۱- کاسه سفالی مینایی و زرانود قالی - قرن ۶ و ۷ ه. ق - ری

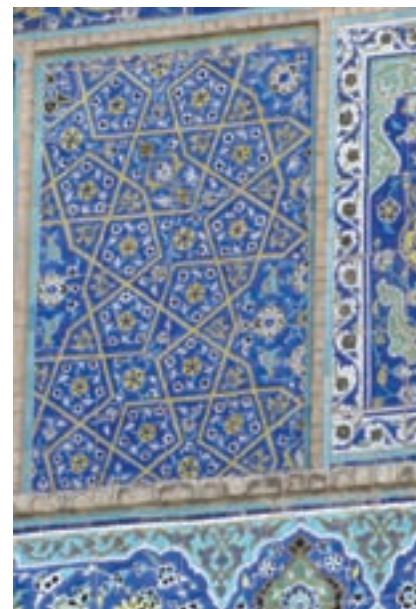


تصویر ۲۰- کاشی سفالی هشت‌گوش زرین فام



تصویر ۱۹- سفال مشبک لعاب‌دار

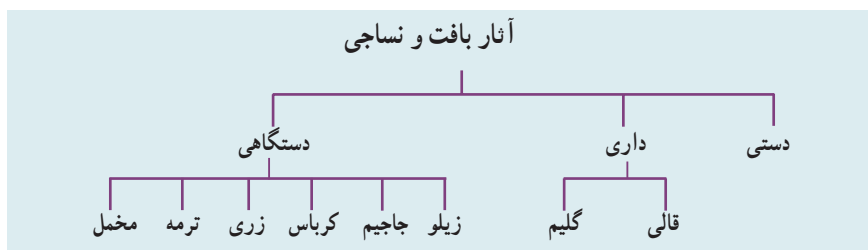
در دوره اسلامی به طور کلی علاوه بر ساخت انواع ظروف با لعاب‌های گوناگون، کاشی‌های مختلفی با نقوش مختلف از جمله درخت، گل، گیاه و جانوران و انواع خط کوفی رواج یافت. همچنین ساخت و استفاده از کاشی‌های هفت رنگ، معرق و بنایی نیز گسترش یافت که در تزیین بناهای مذهبی و تاریخی به کار گرفته شد. از حدود سده ۱۲هـ. به تدریج از رونق سفالگری کاسته شد اما امروزه با روش‌های نوین شاهد رواج و رونق سفالگری در بسیاری از مناطق ایران هستیم (تصویر ۲۲).



تصویر ۲۲- کاشی هفت رنگ، مسجد جامع اصفهان

آثار بافت و نساجی

سابقه دست‌بافی در ایران به هزاره‌های قبل از میلاد باز می‌گردد. نخستین نشانه‌ای که از وجود منسوجات در ایران موجود است در شوش به دست آمده است. آثار بافندگی به صورت انواع پارچه (مخمل دوزی، ترمه، کرباس، جاجیم و ...)، انواع فرش (قالی، گبه، گلیم، زیلو و نمد) و انواع حصیر بافته می‌شود. اجزای اصلی در بافت شامل تار و پود، گره یا پرز می‌باشد که به کمک ابزار و امکانات دیگر با یکدیگر درگیر شده و در هم بافته می‌شود و تنها نمد است که از هم تنیدن الیاف پشم به وجود می‌آید (تصویر ۲۳).



تصویر ۲۳- تقسیمات کلی آثار بافت و نساجی و مشهورترین آثار آنها

برخی از دست‌بافت‌ها به صورت داری و برخی دیگر به صورت دستی بافته می‌شوند. روش دستی مانند انواع پوشاک، کلاه، بالاپوش و پای پوش و ... است و روش داری مانند انواع قالی و گلیم است. همچنین گلیم دارای انواعی است که بسته به نوع پودگذاری آن گاهی به صورت یک رو و گاه به صورت دورو مشاهده می‌شود (تصویر ۲۴).

قدیمی‌ترین قالی ایرانی شناخته شده به حدود ۲۵۰۰ سال پیش برمی‌گردد که به قالی پازیریک شهرت دارد. این قالی از نواحی جنوبی سیبری به دست آمده است. بنا به نظر هنرشناسان و نوع طرح‌ها و نقش‌های به کاررفته در این قالی، این بافته متعلق به دوره هخامنشی است و توسط شاهزادگان «سکایی» به فرمانروای پازیریک هدیه شده است. قالی پازیریک تا به امروز قدیمی‌ترین قالی شناخته شده در جهان است (تصویر ۲۵).



تصویر ۲۴- گلیم



تصویر ۲۵- بخشی از قالی پازیریک

قالی در ایران در دوره پس از هخامنشیان نیز هم‌چنان از ارزش و اعتبار خاصی برخوردار بوده است. از جمله فرش معروف به بهارستان که دارای پود ابریشمین بوده و به زر و سیم و انواع گوهرها نیز آراسته بوده و مربوط به دوران خسرو پرویز در دوره ساسانیان می‌باشد. پس از ظهور دین مبین اسلام، در کتاب‌ها و سفرنامه‌ها اشاره‌های بسیاری به قالی‌های گسترده در خانه‌ها شده است و در متون تاریخی از جمله تاریخ بیهقی مربوط به سده پنجم هجری نیز به صراحت از قالی نام برده شده است. در دوران صفویه طی سده‌های دهم و یازدهم هجری رونق و شکوفایی قالی ایرانی به اوج خود رسید و شاهکارهای بسیاری از این دوران از جمله قالی معروف به «اردبیلی» و «قالی شکارگاه» بر جای مانده است.

قالی معمولاً از روی نقشه بافته می‌شود. با بررسی آثار نگارگری سده‌های هفتم و هشتم تصویری از قالی دیده می‌شود که دارای نقش و رنگ بسیار فاخری هستند. طرح‌های قالی ایران به دلیل تنوع بسیار بالایی که دارند تقسیم‌بندی‌های گوناگونی نیز برای آنها ارائه شده است.

گاهی طرح‌های قالب‌های ایرانی را براساس ساختار کلی، گاهی براساس ویژگی‌های طرح یا نقش (شکسته و گردان) و گاهی نیز براساس موضوع نقش یا طرح تقسیم‌بندی می‌کنند. طرح لچک و ترنج، افشان، شکارگاه، محرمات، قابی، ماهی (ماهی درهم)، محرابی، هندسی، تابلویی (طرح بناهای مذهبی و تاریخی، شخصیت‌ها و ...)، تلفیقی و ... از مشهورترین آنها هستند (تصویر ۲۶ و ۲۷).



تصویر ۲۶- قالی با طرح لچک و ترنج و نقش‌های هندسی



تصویر ۲۷- قالی با طرح درختی، حیوانات و چهره اقوام مختلف

این تنوع باعث شده که امروزه برخی از کشورهایی که به تولید فرش دستباف مشغولند همواره از طرح قالی‌های ایرانی اقتباس می‌کنند.

بافندگی دستگاهی همواره با عبور دادن رشته‌های پود از لابه‌لای تار به روش‌های گوناگون همراه است. این بافندگی به سه شیوه ساده، پیچیده و تلفیقی انجام می‌شود. از نمونه روش‌های ساده بافندگی دستگاهی می‌توان به زیلو، جاجیم، کرباس، متقال و غیره اشاره کرد و از شیوه‌های پیچیده آن می‌توان به پارچه‌های زری، ترمه و مخمل اشاره کرد (تصویر ۲۸ و ۲۹ و ۳۰).



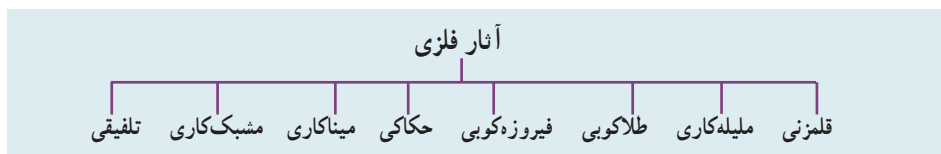
تصویر ۲۹- بخشی از پارچه مخمل (قدیمی) با طرح سوارکار تصویر ۳۰- پارچه ترمه یزد

تصویر ۲۸- جاجیم (بافته دستگاهی)

آثار فلزی

فلزکاری و هنرهای مرتبط با آن، از کهن‌ترین روزگاران تا دوران معاصر، آثار ارزشمندی را همچون مفرغینه‌های لرستان، زیورآلات و جام‌های هخامنشی، بشقاب‌های نفیس زرین و سیمین سامانی، آثار بی‌نظیر دوران اسلامی، مفرغ‌ها و مشبک کاری‌های بی‌همانند و ضریح‌های پر جلوه و با ابهت اماکن متبرکه را ارائه کرده است.

آثار فلزی براساس نوع ساخت آن‌ها به کوفتگری، ورقه‌ای، خمکاری و ... تقسیم‌بندی می‌شود. همچنین تزیینات گوناگونی بر هریک از آنها انجام می‌شود که روش‌های مختلفی دارند. قلم‌زنی، طلاکوبی، ملیله‌کاری، فیروزه‌کوبی، حکاکی، قفل و یراق‌سازی، زیورآلات‌سازی، چاقوسازی، میناکاری و ساخت ضریح و درهای اماکن متبرکه از انواع هنرهای فلزی هستند که برخی از آنها روش ساخت و تزیین تلفیقی دارند مانند زیورآلات‌سازی ضریح و درب‌های اماکن متبرکه (تصویر ۳۱).



تصویر ۳۱- برخی از روش‌های تزیین آثار فلزی

نخستین اشیاء فلزی ساخته شده شامل اشیاء کوچک مسی چکش کاری شده‌ای است که به نیمه اول هزارهٔ چهارم ق.م تعلق دارد. شوش یکی از سرزمین‌های باستانی است که از آن آثار فلزی بسیاری چون ادوات و سلاح‌های مسی به دست آمده است.

در حدود ۲۵۰۰ تا ۱۵۰۰ ق.م عصر مفرغ آغاز می‌شود. از آثار این دوره در ناحیه حسنلو واقع در شمال غرب ایران نمونه‌های فراوانی به دست آمده است. همچنین آثار و اشیاء مفرغی بسیاری از جمله لگام اسب، تبر، سرنیزه، روکش تیردان، بخوردان و... از لرستان به دست آمده که متعلق به هزاره اول پیش از میلاد است. این اشیاء دارای تزییناتی با نقش حیوانات افسانه‌ای، نقش تلفیقی انسان و حیوان هستند که هم‌اکنون زینت بخش موزه‌های داخلی و خارجی است. در هزاره اول ق.م آثار فلزی دارای اعتبار خاصی بوده که می‌توان به آثار ارزشمند مارلیک اشاره کرد (تصویر ۳۲).

یکی از مهم‌ترین نمونه‌های فلزکاری در دوران هخامنشی ظرفی زرین با یک جفت دسته به شکل بز کوهی بال‌دار است که از آثار برجسته و با ارزش فلزی دوران هخامنشی به شمار می‌رود (تصویر ۳۳). همچنین جام‌های زیبای موسوم به تکوک (ریتون^۱) است (تصویر ۳۴). از دیگر کاربردهای فلز ضرب سکه است که از دوران هخامنشی رواج داشته و در روند تاریخی دچار تحولات بسیاری شده است. همچنین ساخت زیورآلات همواره از اهمیت خاصی برخوردار است که حداقل از هزاره دوم پیش از میلاد در ایران مرسوم بوده که به صورت استفاده از فلزات گرانبها و سنگ‌های قیمتی به کار برده می‌شد. در تکامل این هنر به هنر ملیله‌کاری نیز بایستی اشاره کرد که قدمت آن هم به احتمال به دوره ماد و هخامنشی برمی‌گردد که از مفتول‌های طلایی و نقره‌ای استفاده می‌کردند (تصویر ۳۵ و ۳۶).



تصویر ۳۲— لگام مفرغی لرستان



تصویر ۳۳— ظرف با دسته بال‌دار هخامنشی



تصویر ۳۵— سکه‌های فلزی، هخامنشی



تصویر ۳۴— تکوک، نقره‌ای طلاکوب، هخامنشی



تصویر ۳۶— گردنبند ساخته شده از مفتول‌های زرین

۱- Rhyton ریتون یا تکوک به آن دسته جام‌هایی گفته می‌شود که شکل حیوانی یا انسانی یا شاخی دارند.

همان گونه که اشاره شد ساخت ظروف از فلزات قیمتی در دوره هخامنشیان و ساسانیان پیشرفت زیادی داشته است. از معروف ترین ظروف فلزی دوره ساسانی می توان به «جام خسرو» اشاره کرد.

با ظهور اسلام تا مدت ها مفرغ (برنز) جانشین طلا و نقره شد و فلزکاران با بهره گیری از این آلیاژ به ساخت ظروفی از قبیل سینی، ابرق و آبخوری به اشکال جانوری و پرندگان ادامه دادند. با به قدرت رسیدن سلجوقیان در شرق ایران دوران درخشان فلزکاری اسلامی آغاز می شود. در این دوره اکثر ظروف نقره ای (به ویژه ساخته شده در سده های پنجم و ششم هجری) از ارزش های خاصی برخوردار است. همچنین میناکاری نیز در این دوره مرسوم می شود. همراه با آثار مفرغی آثار نفیسی پدید می آید. فلزکاران ایرانی در ساخت مشبک کاری و ظروف مشبک نیز به مراتب بالایی دست یافتند و با مهارت ظروفی نظیر شمعدان و عودسوز ساختند که به شکل حیوانات و پرندگان ساخته شده است. مفرغ کاری با ترصیع نقره و مس نیز در قرن های پنجم و ششم هجری از اهمیت و اعتبار خاصی برخوردار شد و فلزکاران ترصیع اشیاء مفرغی را با سایر فلزات تکمیل کردند (تصویر ۳۷ و ۳۸).

مرصع کاری اشیاء برنجی و مفرغی در دوره صفویه رونق مجدد می گیرد و ظروف مسی اغلب سفیدگری می شود تا به شکل نقره جلوه کند، ضمن آنکه آهن و فولاد نیز در ساخت اشیاء فلزی و تزیین آنها نیز به کار می رفت. فلزکاران دوره صفویه در استفاده و کاربرد آهن و فولاد مهارت بسیار پیدا کردند و آثار بسیار عالی از جمله کمر بند، لوحه و نشان ساختند.

در پایان دوره صفویه به بعد به تدریج شاهد از رونق افتادن فلزکاری در ایران هستیم، به گونه ای که آثار فلزی دوره های افشاریه، زندیه و قاجار به هیچ وجه قابل مقایسه با آثار ارزشمند آثار فلزی از سده پنجم تا یازدهم میلادی نیست. از نمونه های جالب و قابل ذکر دوره قاجاریه آثار قلمزنی شده متعددی است که بر درهای امامزاده ها و دیگر اماکن مقدس ساخته و پرداخته شده است. مهم ترین جلوه اشیاء قلم زنی شده در این دوران در نقش های غیراسلمی مانند گل های درهم پیچیده با تصاویر پرندگان و حیوانات، نقش گل ها و تاک های درهم پیچیده و مشبک کاری شده است (تصویر ۳۷). همچنین از سده دوازدهم به بعد آثار میناکاری شده و ملیله وجود دارد که نمونه های مناسب و جالب توجهی هستند (تصویر ۳۹).

امروزه با احیای روش و اسلوب های فلزکاری گام نوینی در احیاء و حفظ شیوه های کهن برداشته شده که آن هم به همت استادان بزرگ این عرصه در روزگار ماست (تصویر ۴۰).



تصویر ۳۷- کوبه مشبک و طلاکوب، درب مسجد جویی و منبت کاری شده



تصویر ۳۸- سینی قلم زنی شده با طرح خیالی سنه مُرو (سرخس، بال پرنده، پنجه شیر و دم طاووس)



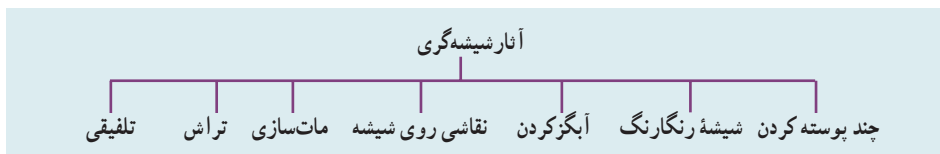
تصویر ۴۰- تنگ ملیله کاری، نقره ای، معاصر



تصویر ۳۹- میناکاری، کاسه و بشقاب برنجی

آثار شیشه‌گری

کشف ظرف شیشه‌ای به رنگ زرد صدفی با تزیینی شبیه به خطوط شکسته موج‌دار در یکی از گورستان‌های منطقه تاریخی لرستان و گردنبندی شیشه‌ای با دانه‌های آبی رنگ متعلق به هزاره سوم در مناطق باستانی شمال غربی ایران و دیگر قطعات شیشه‌ای مایل به سبز در کاوش‌های باستانی لرستان، شوش، حسنلو، شهر سوخته و آثار متعلق به هزاره‌های سوم و دوم پیش از میلاد نشانگر قدرت این صنعت ارزنده و هنر اصیل در کشور ماست. همچنین وجود جام‌های بلورین و دکمه‌های ظریف شیشه‌ای دوره هخامنشی که با روش‌های دمیدنی و قالبی در این دوران ساخته و به گونه‌ای هنرمندانه تراش داده شده‌اند، همگی حاکی از اعتبار و رونق شیشه‌گری قبل از ظهور اسلام در ایران است (تصویر ۴۱).



تصویر ۴۱- برخی از رایج‌ترین تزیینات در شیشه‌گری

هرچند که از شیشه‌گری دوره اسلامی اطلاع چندانی وجود ندارد اما آثار پراکنده‌ای که از مناطق شوش، ری، ساوه و نیشابور به دست آمده نشان می‌دهد که در این دوره ظروف گوناگون شیشه‌ای مانند بطری، عطردان، قوری، گلدان و فنجان ساخته شده است (تصویر ۴۲).

سده‌های پنجم و ششم هجری اوج صنعت شیشه‌گری در دوره اسلامی ایران است و هنرمندان توانستند با مددگیری از شیوه‌های جدید و با استفاده از طرح‌ها و قالب‌های گوناگون ابداعاتی در ظروف نقش برجسته پدید آورند و به کمک روش‌های تزیینی حک و تراش به غنای کار خود پردازند. از همین زمان به بعد شیوه نقاشی روی شیشه نیز با رنگ‌های متنوع با طرح‌های گل‌های تزیینی، اشکال جانوری و به کارگیری اشعار و آیات قرآنی عامل مکمل در فرایند تولید متنوع آثار شیشه‌گری ایرانی شد.

در دوره صفویه نیز ظروف مختلف شیشه‌ای در مناطق مختلف ایران از جمله شیراز، گرگان و اصفهان و دیگر مناطق تولید و از ارزش خاصی برخوردار شدند. در حال حاضر نیز شیشه دست‌ساز ایران نیز در زمره یکی از اقلام صادراتی صنایع دستی است که با دیگر کشورها قابل رقابت است. معمولاً مواد اصلی شیشه‌گری سنگ سیلیس، سنگ آهک و دیگر مواد افزودنی و کانی‌های فلزی است که باعث تولید انواع شیشه با رنگ‌های متفاوت می‌شود (تصویر ۴۳ و ۴۴).



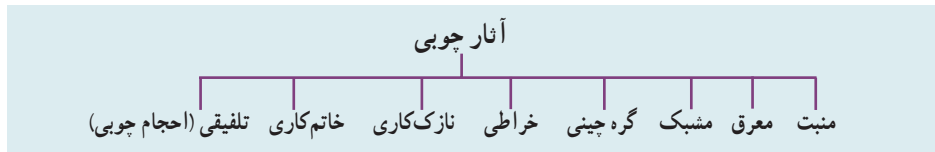
تصویر ۴۴- پارچ و لیوان، تلفیق شیشه و فلز

تصویر ۴۳- لیوان ترک‌دار - لیوان دو رنگ با تزیینات برجسته - لیوان مات

با تزیینات برجسته و لیوان دورنگ با تزیینات برجسته

آثار چوبی

آثار چوبی در هنر ایران از اهمیت خاصی برخوردار است اما به دلیل آسیب پذیری چوب، نمونه‌های اندکی در دوران تاریخی به جای مانده است. این هنر به لحاظ اهمیت و زیبایی خاص خود به روش‌های مختلفی امروزه به کار می‌رود که می‌توان به خراطی، منبت کاری، مشبک کاری، گره چینی، معرق کاری، نازک کاری، خاتم کاری و احجام چوبی و غیره اشاره کرد (تصویر ۴۵).



تصویر ۴۵- برخی از رایج‌ترین انواع آثار هنری چوبی



تصویر ۴۶- بخشی از یک تابلوی منبت

از مهم‌ترین روش‌های هنر چوب منبت کاری است که در آن گاهی تنها خطوط طرح‌ها و نقوش و گاهی زمینه را با ابزاری خاص (مُغار) می‌تراشند و به شکل نیم برجسته، برجسته و تمام برجسته ساخته و پرداخته می‌شود.

براساس منابع موجود منبت کاری، قدمتی بیش از ۱۵۰۰ سال دارد و قدیمی‌ترین اثر موجود به نیمه اول سده سوم هجری قمری باز می‌گردد که شامل لنگه دری چوبی متعلق به مسجد جامع عتیق شیراز است که دارای زیرسازی از چوب سپیدار است و روی آن با ترکیه‌هایی از چوب گردو و نقوش پنج ضلعی بسیار زیبایی زینت شده است. نمونه دیگر سر در منبت کاری شده متعلق به سده چهارم است که با ظرافت کامل، خطوط کوفی با عمق سه سانتیمتر کنده کاری شده است. این هنر در دوره صفویه در سده یازدهم به اوج و شکوفایی می‌رسد و در درهای مساجد متعددی به کار می‌رود. در حال حاضر هم این هنر در بسیاری از شهرهای ایران به کار می‌رود و آثار ارزشمندی را مشاهده می‌کنیم (تصویر ۴۷ و ۴۶).



تصویر ۴۷- گره چینی توپر، بخشی از یک درب چوبی

از دیگر روش‌های هنر چوب گره چینی است که با برش زهوارها و قطعات مختلف چوبی و درگیر کردن آنها مطابق طرح‌های سنتی و هندسی، نقوش یکپارچه مشبکی پدید می‌آید. گره چینی براساس نوع طرح و اجرا به انواع گوناگون توخالی، مشبک و توپر تقسیم می‌شود (تصویر ۴۷). شیوه دیگر هنر چوب، معرق کاری است که با بریدن و کنار هم چسباندن قطعات چوب و دیگر مواد (فلز و صدف) برای ایجاد پوشش‌های تزئینی براساس طرح‌ها و نقوش متنوع ایجاد می‌شود (تصویر ۴۸).

هنر خاتم کاری نیز با آراستن سطح اشیاء چوبی به صورتی شبیه به موزائیک با مثلث‌های کوچک سه پهلوی، یا دو پهلوی با چوب، استخوان یا فلز ساخته می‌شود. قدیمی‌ترین نمونه خاتم سازی به دست آمده متعلق به دوره صفویه است (تصویر ۴۹).



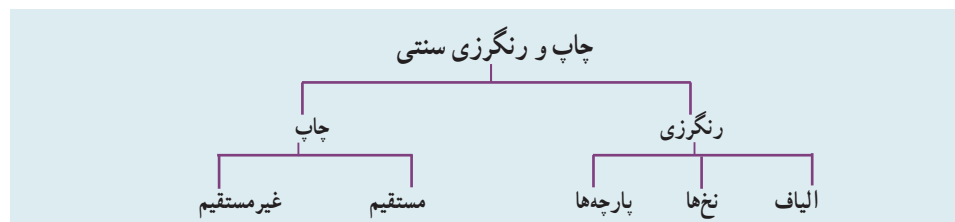
تصویر ۴۹- میز خاتم کاری شده، معاصر



تصویر ۴۸- معرق کاری

آثار چاپ و رنگری سنتی

به نظر می‌رسد روش‌های رنگری سنتی با استفاده از مواد رنگ‌زای طبیعی هم‌زمان با شکل‌گیری فن نساجی و بافت در ایران سابقه تاریخی دارد در رنگری سنتی گاهی الیاف تاییده نشده، گاه نخ‌های تاییده شده پنبه‌ای، پشمی و ابریشمی را رنگ‌آمیزی می‌کنند و گاهی پارچه‌های بافته شده رنگری می‌شوند. از نخ‌های رنگ‌آمیزی شده برای بافت انواع قالی، گلیم و پارچه‌های سنتی استفاده می‌کنند و از پارچه‌های رنگ شده نیز برای چاپ سنتی و یا دوخت انواع پوشاک بهره می‌گیرند (تصویر ۵۰ و ۵۱). روش‌های چاپ نیز در صنعت نساجی در ادوار تاریخی پیشینه کهن دارند. اما آنچه امروزه به یادگار مانده روشی است که هر نقشی به وسیله قالب، قلم مو، موم و رنگ‌های مختلف روی انواع پارچه قابل انتقال است. در چاپ سنتی که به دو روش مستقیم و غیرمستقیم انجام می‌شود می‌توان مقدار زیادی از پارچه را در مدت کوتاهی نقش اندازی و رنگ گذاری کرد. در چاپ مستقیم نقوش به وسیله قالب یا شابلون و رنگ‌ها به شکل مستقیم روی پارچه منتقل می‌شود (مانند پارچه قلمکار) و چاپ غیرمستقیم نقش اندازی در دو مرحله انجام می‌شود که به دو شیوه چاپ برداشت و مقاوم (باتیک) رایج است.



تصویر ۵۰- زیرمجموعه چاپ رنگری سنتی



تصویر ۵۲- چاپ باتیک (کلاقه‌ای)



تصویر ۵۱- نخ‌های پشمی رنگری شده

چاپ قلمکار نوعی چاپ و رنگ‌گذاری مستقیم است که طرح و نقش با قالب چوبی آغشته به رنگ روی پارچه‌های کتان و پنبه‌ای مرغوب، ابریشمی یا کرباس منتقل می‌شود و چاپ کلاقه‌ای یا باتیک نوعی چاپ مقاوم در کشورهای جنوب شرق آسیاست که در ایران هم متداول شده است (تصویر ۵۲، ۵۳، ۵۴).



تصویر ۵۳- چاپ قلمکار بر پارچه پنبه‌ای متقال



تصویر ۵۴- نمونه‌ای از قالب چوبی برای چاپ قلمکار

آثار رودوزی سنتی

این مجموعه هنر شامل انواع رودوزی‌هایی مثل سوزن‌دوزی بلوچ، پته‌دوزی، گلابتون‌دوزی، پولک‌دوزی، و ... است. که مجموعه گسترده‌ای از آنها را در مناطق مختلف ایران به خود اختصاص داده و از تنوع چشمگیری نیز برخوردار دارند (تصویر ۵۵ و ۵۶). در برخی از رودوزی‌ها با نخ‌های رنگارنگ ابریشمی، پنبه‌ای و یا پشمی با دوخت‌های مختلف، نقش‌های زیبایی را بر پارچه‌ها به‌وجود می‌آورند. نقش‌ها و طرح‌ها در برخی دیگر از رودوزی‌های سنتی با آرایه‌هایی مانند پولک،



تصویر ۵۵- پته‌دوزی - رودوزی سنتی کرمان



تصویر ۵۶- سکه‌دوزی و چشمه‌دوزی - رودوزی سنتی

دکمه، منجوق، آینه، سکه و ... دوخته می‌شوند (تصویر ۵۷).

صنایع دستی ایران دارای تنوع بسیاری است که انواع مختلف آنها را در تولیدات شهری، روستایی، عشایری و سنتی می‌بینیم که هر کدام به فراخور نوع کاربرد و نیاز منطقه خاص حالتی بومی نیز به خود گرفته است. برخی از آنها نیز در زیر مجموعه طبقه‌بندی‌های ذکر شده به عنوان تلفیقی قرار دارند که شامل صحافی و جلدسازی، کاغذسازی، سازسازی، میناکاری، قلمدان سازی و غیره نیز می‌شود.

در ادامه به دو دسته از آثار ارزشمند صنایع دستی که در مواد اولیه و روش ساخت تلفیقی هستند اشاره می‌شود.

جلدسازی

ارزش کار خطاط و تذهیب کار در کتابت با عمل صحافی و جلدسازی تکمیل می‌شود. ابداع لبه برگردان (زبان) پشت جلد جهت حفاظت کتاب از گرد و خاک یکی از بزرگ‌ترین خدمات صحافان مسلمان است. در جلدسازی اسلامی تزئین منحصر به جلد خارجی کتاب نیست بلکه آستر (بخش داخلی جلد) نیز اغلب تزئین و نقاشی می‌شود.

انواع جلد را اغلب از چرم می‌ساختند. از انواع چرم‌های به کار رفته در هنر تجلید می‌توان به تیماج (چرم بز)، میشن (چرم گوسفندی)، شبرو (چرم گوساله) و ساغری^۱ (چرم گرده کره الاغ) اشاره کرد. از انواع جلد‌های چرمی، جلد‌های «سوخت» و «ضربی» کاربرد بیشتری داشته‌اند. در هر دو نوع جلد، چرم را میان دو قالب فلزی منقوش تحت فشار قرار می‌دهند (ولی در نوع سوخت قالب‌ها حرارت دیده و داغ شده‌اند)، سپس نقش را با طلاکاری می‌پوشانند. گاه نقوش کوچک را از چرم‌های رنگارنگ بریده و روی متنی دیگر قرار می‌دهند و (اغلب نقش لچک ترنج دارد) این شیوه «معرق چرم» نامیده می‌شود. «جلدهای روغنی» (لاکی) متفاوت است. در این شیوه پس از نقاشی رنگ روغن روی مقوا، آن را با روغن کمان (نوعی ورنی) می‌پوشانند (تصویر ۵۸ و ۵۹ و ۶۰ و ۶۱).



تصویر ۵۷— آرایه‌دوزی با دکمه و خرمهره آبی‌رنگ



تصویر ۵۹— جلد لاک‌ی و روغنی با طرح گل و مرغ



تصویر ۵۸— جلد معرق سوخت — روی جلد پشت جلد و زبان

۱- جلد ساغری معمولاً برای کتاب‌های دینی استفاده نمی‌شود. کاربرد این جلد بیشتر برای دیوان اشعار و کتاب‌های متفرقه است.

کاغذسازی

پیش از ابداع کاغذ معمولاً از پاپیروس مصری و پوست دباغی شده برای نگارش اسناد و تدوین کتاب‌ها استفاده می‌شد. عده‌ای از محققین واژه کاغذ را برگرفته از واژه سانسکریت «کاذی»، دانسته‌اند. در سال ۱۰۵ قبل از میلاد، کاغذ توسط یک مقام عالی رتبه دربار امپراطوری چین تکمیل یا ابداع شد. مواد اولیه آن از الیاف درخت توت، جوانه خیزران، رشته‌های پارچه ابریشم یا پنبه و کتاب بود.

در ایران از دوره ساسانی کاغذ وارداتی چین در دربار استفاده می‌شد ولی بعد از اسلام در اوایل قرن دوم هجری فن کاغذسازی در ناحیه خراسان وارد جهان اسلام می‌شود و با مهارت هنرمندان و صنعتگران ایرانی در تمامی گستره جهان اسلام توسعه یافت. نخستین کارخانه‌های کاغذسازی دنیای اسلام در سمرقند، خراسان و سپس بغداد آغاز به کار کرد و تا قرن چهارم هجری در تمام شهرهای معتبر ایران و حدود قرن پنجم هجری در اسپانیا کاغذ تولید شد. ولی خراسان و سمرقند همچنان به عنوان مهم‌ترین مرکز تولید کاغذ اعتبار خود را حفظ کردند. ایرانیان در کاغذسازی خلاقیت‌های بسیاری داشتند به طوری که از چای، پوست پیاز، جوهر گردو، زعفران و ... برای رنگ آمیزی کاغذ استفاده می‌کردند. کاغذ ابری هم گونه‌ای از کاغذ هنری و از ابداعات ایرانیان بود که بیشتر برای آستر جلد کتاب یا قطعات خوشنویسی از آن استفاده می‌کردند. گاهی برای سهولت کتابت و روانی قلم کاغذ را آهار^۱ و مهره^۲ می‌زدند (تصویر ۶۱).

از کاغذهای مشهور می‌توان به کاغذ خراسانی، سمرقندی، اصفهانی و ابریشمی اشاره کرد (تصویر ۶۲).



تصویر ۶۰- قالب سنگی جلد‌های ضربی



تصویر ۶۱- دیوان حافظ خط شکسته نستعلیق
- کتابت بر کاغذ خانبالغ - حاشیه کاغذ اصفهانی
آهار مهره - دارای پیشانی مذهب - کتابخانه کاخ گلستان - تهران



تصویر ۶۲- عقدنامه با تذهیب و به خط نستعلیق، کتابت بر کاغذ آهار مهره شده

۱- آهار در انواع سرد و گرم استفاده می‌شد. آهار گرم مانند لعاب نشاسته، سریش و کتیرا و ... آهار سرد مانند شیر انگور، اسپرزه،

لعاب گل ختمی و ...

۲- مهره کشی: کاغذ را با سنگ صیقلی یا بلوری مهره می‌زدند تا پزهای کاغذ کاملاً یک دست و صیقلی شود.

پرسش

- ۱- صنایع دستی از نظر مواد اولیه طبقه‌بندی است؟
- ۲- انواع آثار طراحی و نقاشی سنتی را نام ببرید.
- ۳- در چه کتاب‌هایی بیشتر به نگارگری پرداخته شده است؟
- ۴- تذهیب را توضیح دهید.
- ۵- تفاوت تذهیب و تشعیر در چیست؟
- ۶- خیالی سازی را توضیح دهید.
- ۷- چگونگی پیدایش سفالگری را در ایران توضیح دهید.
- ۸- قدیمی‌ترین قالی ایرانی را معرفی کنید و شرح دهید.
- ۹- از انواع طرح‌های قالی چند نمونه را نام ببرید.
- ۱۰- ظهور اسلام چه تأثیری بر فلزکاری ایران گذاشت؟
- ۱۱- تاریخچه پیدایش شیشه را بنویسید.
- ۱۲- از انواع آثار چوبی چند نمونه نام ببرید.
- ۱۳- دو روش چاپ دستی را توضیح دهید.
- ۱۴- از انواع جلد‌ها چند نمونه را نام ببرید و یکی را توضیح دهید.
- ۱۵- از خلاقیت‌های ایرانیان در حرفه کاغذسازی یک نمونه را بنویسید.

جست‌وجو کنید

– صنایع دستی شهر یا استان خودتان را شناسایی کنید. نمونه یا تصاویر آن را جست‌وجو کنید و آنها را در کلاس به نمایش گذاشته و درباره آن مختصری توضیح دهد.